

نظامنامه

جزایر عمومی

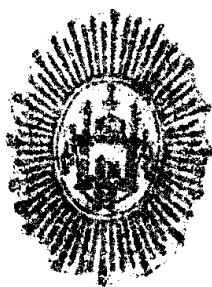


«مطبع دائرة تحریرات مجلس عالی وزرا طبع گردید»



۱۷ میزان - ۱۳۰۲

تعداد طبع (۲۰۰۰) جلد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظامنامه جزای عمومی

مُقَدِّمَةٌ

قاعده

(۱) — چنانچه اجراء مجازات جرایمیکه براه راست بر علیه حکومت واقع میشوند بدولت عائد است، همچنانکه جرایمیکه بر علیه یک شخص بوقوع برسند، تحدید درجه تعزیرات آنهم که تابع تعزیرات شرعی و سیاستی باشند بدولت عائد بوده، بنا بران درباره این دو نوع مجازات این نظامنامه جزا چنانچه مقدار ثانی آن بقرار رأی اولوالامر بیان گردیده، و از سببیکه درباره جرایمیکه بقصاص و دیت و حد تابع میباشد

احکام غنیۃ شرعیۃ را نیز حاوی است، بنابراین کاف و مندرجا
آن مطابق شرع افور (محدی) است، و آن فصول تشک
القضاۃ الالمانیه که متعلق بجز است از مروطات این نظام
شمرده میشود.

(۲) — مجرمها بیکه قانوناً مستوجب مجازات هستند نوع است.

اول قباحه، دوم خنجه، سوم جنایت.

(۳) — قباحه مستلزم مجازات تکدییه، خنجه مستلزم مجازات

تأدیبیه، جنایت مستلزم مجازات ترمیمییه، جرمها سئ
هستند.

(۴) — مجازات تکدییه عبارت است از جزای نقدی از یکروز
الی دو صد روپیه، و یا از بیست و چهار ساعت الی
یک ماه حبس.

(۵) — مجازات تأدیبیه عبارت است از دو صد روپیه بالا تر از

سه هزار جزای نقدی، و از یک ماه الی سه سال حبس، و یا
جزای ضرب یعنی لٹ از (۳) ده الی (۳۹) دوره.

(۶) — مجازات ترمیمییه عبارت است از جزای نقدی بالا تر از

سه هزار روپیه، و جزای حبس از سه سال بالا تر الی حبس دوام

واحدام، و جزای ضرب از (۳۹) دره الی (۱۰۰) دره،

مراد از حبس دوام بیست سال محبوسیت است.

(۷) — جزای جرایمیکه از نوع خنجه باشد، تنها بیک لنگ
خولان در محبوسین خانه اكمال مدت حبس خود را بنماید

محبوسین در محبوسخانه بصنایع مختلفه اشغال میشوند، و مبلغیکه
از آن حاصل کنند بقوت و معاش شان رسانیده میشود
و مقداریکه برای شان کفایت نکند از طرف دولت اكمال
میگردد، محکومین قباحات در توقیفخانه متوقف میمانند.

(۸) — جزایمیکه از نوع جنایت باشند، بزولان انداخته شدن

پهر دو یا سه مجرم در بندیکخانه های عمومی
ادامه میشود، و نظریاقتضای جرم، بندها در خدمات شاقه
دولت گماشته میشوند، و از طرف دولت برای شان
خوراک داده میشود.

(۹) — جزای ضرب یعنی لت در صحن سرایهای حکومتی در حالیکه یکی
از مفتی های محکمه شرعیّه جزائیّه که اعطای حکم نموده، و کینفر
منصبدار کو توالی، و عندالاقضای نائب الحکومه و یا حاکم،
و کینفر مغرزه نظامی و کو توالی موجود باشد، در پیشرو

یکم جم غفیر الی اجرا میشود.

(۱۰) : — جزای ضرب با مراسم ذیل اجرا میشود.

مفتی محکمہ جزائیہ، با مفروضہ نظامی و کو تو الی کہ در قاعہ بالا ذکر شدہ، در صحن سرای حکومتی، و یا در صحن وزارت عدلیہ عین و جای وسطی آن اند موضع مینمایند، و الی بدو را در صحن ایستادہ و یک میدان وسیع بوجود آورد و اجتماع میکنند، متعاقباً محکوم علیہ بمیدان آورده میشود، و مفتی همان محکمہ کہ در بارہ او اعطای حکم نموده، حکم فیصلہ شدگی را با آواز بلند بخواند بعد از ختم قرائت محکوم علیہ از کالاس بالا پوشش برهنہ شدہ در صحن مذکور بقسم راکعانہ ایستادہ شدہ، یک شخص دیگر از کو تو الی مقابل او ایستادہ شدہ سر او را در بغل میگیرد، جلا و کو تو الی درہ شرع بکمر گرفته، بموجب اشارہ کہ از طرف مفتی داده میشود یک بعد دیگر ضربہ را در پشت مجرم فرو می آرد، در اثنای ضرب دست راست از شانہ باید بالاتر نشود و بعد از تماس ضرب بجلد درہ باید بر جلد کش کردہ نشود بعد از پورہ شدن عدد مطلوب بموجب اشارہ مفتی

محکمه عدلیه عملیات ختام می پذیرد، و متعاقباً اگر محکوم
 علیه علاوه بر آن بجزای حبس هم محکوم گردیده باشد
 به بند خانه سپرده میشود، و اگر اضافه بر آن محکومیت
 نداشت آزاد گذاشته میشود، و اگر محکوم علیه، زن باشد
 در حضور محکمه شرعیّه بجزابصورت سائرانه زده میشود، و
 ایفای تشهیرات فوق در شان او ضرورت ندارد،
 و سر او را باید شخص محرم بگیرد و اگر محرم نباشد زن دیگر را
 مکلف سر گرفتن او دارند.

(۱۱) — هیچ مأمور دولت تا حکم یک محکمه جزائیه نباشد هیچ کس
 از رعایا را هیچ وسیله و بهانه ضرب نمیتواند، و هم حکمی را
 که از محکمه صادر گردد بالذات بدست خود اجرا کرده
 نمیتواند، جزای ضرب فقط بشکل و صورتیکه در بالا ذکر شد
 اجرا پذیر میگردد.

(۱۲) — مراد از جزای اعدام، قتلست که طرز آن از حضور پادشاهی
 صادر میگردد.

طرز اجرای هر حکم اعدام در ابتداً منطوری اعلامی که حکم اعدام
 حاوی بوده از طرف اشرف پادشاهی تصحیح و اراده

فرموده میشود .

(۱۳) : — زینکه بجزای اعدام محکوم گردیده باشد، اگر حالمه بود بعد از

وضع حملش مجازات میشود .

(۱۴) : — مردانیکه بجاییت محکوم باشند، پیش از آنکه آنها را در بند خا

برند، بشهر گشته انده شده تشهیر میشوند .

(۱۵) : — هرگاه یکی از تبعه دول اجنبیه باشند افغانستان مرکب

جرم کرده که مستلزم جزا باشد، بر طبق نظامنامه جزا

مانند سائر تبعه افغانستان مجازات میشود .

(۱۶) : — یک شخص پس از آنکه بصورت قطعی یکی از مجازات ترسیده

محکوم شد، در اثنا نیکه در حبسخانه باشد، و یا بعد از اكمال

مدت حبس خود در ظرف ده سال دیگر مرتکب چنان یک

جنایت کرده که مستلزم حبس پانزده سال و یا زیاده

بران باشد سیاستا اعدام میشود .

(۱۷) : — هرگاه بر بالا یک شخص دیت شرعی، تضمینات شخصیه

وردا اموال مسروقه، و جزای نقدی و مصارف محاکمه

یکجائی حکم شود، از همه اول مقدار دیت شرعی و تضمینات

شخصیه و اموال مسروقه از وی گرفته میشود و بعد از آن

جزای نقدی و مصارف محاکمه، و مانند آن حق دولت
از وی استحصال میگردد.

(۱۸) — مصارف محکمه بر ذمه محکوم علیه است.

(۱۹) — اشیاییکه اعمال، و استعمال، و نقل و محافظه، و بیع

و شراست آن جرم را بوجود می آرند، اگر چه بفاعل جرم
تعلق نداشته باشد هم مطلقاً از طرف دولت، ضبطه
مصادره میشود.

(۲۰) — اشخاصیکه بکدام جنایت و جرم که اعمیت داخلی و خارجی است

اخلال نماید جرأت ورزیده باشند بعد از اكمال نمودن
جزائیه که قانوناً برای شان معین است بهمه حال در تحت
نظارت کواوالی میباشند.

(۲۱) — بودن در زیر نگرانی کواوالی عبارت است ازین چند چیز:
اول، — اقامت کرده تنو استن در محلهاییکه حکومت از تعیین

نموده است.

دوم، — محله را که در آن اقامت میورزد و یا جاها نیکه تا
بر رسیدن محل اقامت خود از آنجا میگذرد، آنرا
تعیین و بیان نمودن.

سوم: - در تذکره مرور و روحی بقسمیکه گفته شد اشارت گردن -
چهارم: - بمجذور رسیدنش در آنجا در طرف بیست و چهار
ساعت از ورود خود بحکومت خبر دادن.

پنجم: - در حالیکه از آنجا بیکطرف دیگر رفتن آرزو داشته
باشد سه روز پیشتر بحکومت خبر داده مجدداً تذکره
مرور خود را گرفتن، کسیکه در زیر نظارت ضبطیه
بوده و با وجود آن باین شرائط رعایت نکند
کم از کم مجزای حبس یکسال محکوم میشود.

(۲۲): - مأموریکه بحکومت مدت لا اقل دو سال محکوم گردیده
باشد، به این شرط که آینده در توجیح یکی از خدمات دولت
از و کار گرفته نشود طرد کرده میشود.

مأموریکه مرکب جرم سرقت اموال دولت و اخذ رشوت
گردیده باشد، اگر چه کمتر ازین مدت بحکومت دو چار
شده باشد، الی الابد از خدمت دولت طرد میشود.

(۲۳): - در اثنا بر وقوع جرم کسانی که سن سیزده سالگی را پوره
نکرده باشند، از قوه میمزه محروم دانسته میشوند، و از
جرمیکه کرده باشند مسئول شناخته نمیشوند، هرگاه از سبب

جرم ایشان دیت لازم شود بعاقله متعلق میشود و خود ایشان
 بوالدین و ولی و وصی و اعیان شان تسلیم میشوند، مگر هرگاه
 اینچنین بچه پیش از آنکه سال پانزدهمین سن خود را پوره
 کنند با تکرار از ایشان یک جرم سرزند و او کسانیکه بی غلط
 شان نامورند از صد روپیه الی دو هزار روپیه جزای نقدی
 گرفته میشود.

(۲۴) — درصین وقوع جرم بچه مانیکه سال پانزدهم عمر خود را پوره نموده
 و سال پانزدهم را اکمال نموده باشند، جزای شان بدو
 نصف مقدار یک در نظامنا منصوص گردیده است، حکم میشود.
 اگر جرم مستلزم اعدام باشد، بعوض آن ده سال حبس
 میشود، و از اینچنین بچه جزای نقدی هم مناصف گرفته
 میشود.

(۲۵) — هرگاه ثابت شود که مجرم درصین وقوع جرم کمال (جنت)

یعنی دیوانگی دوچار بود، از مجازات معاف نیست میشود.

(۲۶) — هرگاه ثابت شود که یک شخص یک جرم را که اصلاً عرضاً

او نبود مجبوراً مرتکب گردیده است از مجازات معاف

دانسته میشود، تنها در بناب مجبوریست که معتبر است

نظر بر جرم آولاً عبارت است از وقوع یک چنان
 کیفیت که آن شخص را تماماً و کاملاً از شعار تهمت برمی آید
 نشان بدهد، و ثانیاً پیش آمد یک چنان ضرورتیکه او در مقابل
 آن مقاومت کرده نتوانستن خود را ثابت بسازد الا از قبل
 امر والدین به او داده و یا از بادار بحد متکار حالانیکه از عظیم
 و احترام نشئت میکنند آنها را مجبوریست گفته نمیشود.
 (۲۷) — فعلیکه بضرورت دفع فوری یک تعرض ناحقی که خواه نفس
 و عرض خود شخص و یا غیره واقع شود، و جلوگیری آن دیگر
 صورت ممکن نباشد آنرا جرم گفته نمیشود.
 بناءً علی ذلک فاعل آن از جزا معاف دانسته میشود.
 افعالیکه در اثبات نهیب و سرقتیکه با جرم سرچشمه
 بوقوع پیوسته باشد، و یا خود در سرقتی یک مورد چنان
 یک ضرر عظیمی میشود که اراده و ختم بسیار یک شخص را
 تعلل دایم سازد بوقوع برساند، و یا هرگز نه افعالیکه
 براسه دفع سارق و ارباب اجرا شود و یا در مالیه اشتر
 مال ممکن نباشد سرگام پذیری مدافع خود، و محافظه ایص
 و هترواد فوری مال افعال بوقوع برساند آنها را نیز

جرم گفته نمی شوند .
 هرگاه در جرایم یک حکم از روی شمع و نظام و یا اگر
 از کدام مرجع نظامی داده شده باشد، یک فعل وقوع شود
 جرم شمرده نمیشود .

(۲۸) : — اموال مسروق در دست هر کس که باشد از وی گرفته میشود
 مگر جزایعاید است بفاعل سرقت .
 (۲۹) : — هرگاه یک چند نفر اشخاص متعدد متحداً مرکب یک جنحه
 و یا جنایت گردند، و یا آنکه در یک جنایت و یا جنحه
 که از افعال متعدده مرکب باشد از چند نفر اشخاص
 بر کدام شان بغرض حصول جرم، یکی و یا یکچند
 از افعال مزبوره را اجرا کنند، اشخاص مذکوره را
 هم فعل گفته میشوند، و همه شان مانند فاعل مستقل آن
 فعل جزا می بینند .

(۳۰) : — کسانی که به اعطای هدیه، و یا نفوذ، و یا به اجراء تهدید، و یا به
 اعمال حید و سیئه، و یا بضر نفوذ، و یا بصورت استعمال
 بیجا حکم ناموریت خود دیگر را بوقوع یافتن یک جنحه و یا جنایت
 تحریک نمایند، و یا بوقوع یک جنحه و جنایت واقف گردیده بر

حصول آن تجویز است نمایند، و یا اسلحه و آلات و وسایلی را
که مداخله وقوع یک جنحه و جنایت باشد دیده و دانسته
تدارک کنند، یا در افعالیکه سبب آمده گی و یا تسهیل
و یا اکمال یک جنحه و جنایت باشند دانسته با فاعل اصلی
آن معاشرت ورزند، همه این قسم گسان فرغاذی مدخل
همان جنحه و جنایت شناخته میشوند.

کسانیکه برخلاف افیت حکومت، داعیت عمومیه،
واعیت اشخاص و اموال دست درازی و یا استعمال جبر
و شدت مینمایند، و یا بر افعال و حرکات ارباب جرم
واقف بوده بآنها بالا اختیار خوراک و خوابگاه و جاکناه
و جاس اجتماع میدهند نیز فرغاذی مدخل شمرده میشوند،
کسانیکه اشیای را که بصورت غضب و یا سرقت، و یا
خود از وقوع یافتن یک جنحه و یا جنایت استحصالی کرده
باشند، تماماً و یا قسمی دانسته حفظ و احفا نمایند، نیز در همان
افعال ذی مدخل شناخته میشوند، و نظریه این حالات
مختلفه درباره کسانیکه فرغاذی مدخل یک جنحه و یا جنایت
باشند بر وجه ذیل جزا حکم میشود:-

اگر اصل فعل مستلزم اعدام و یا حبس دوام باشد، در باب
کسانیکه در آن فرغاذی مدخل اند [از ده سال تا پانزده
سال جزای حبس] .

اگر اصل فعل مستلزم جزای حبس از ده سال تا پانزده سال
باشد، درباره کسانیکه فرغاذی مدخل باشند [از ده سال
تا پنج سال جزای حبس] .

اگر اصل فعل مستلزم جزای حبس از سه سال تا ده سال
باشد، درباره کسانیکه فرغاذی مدخل اند [از دو سال
تا سه سال جزای حبس] .

در مسائل جنحه جزای کسانیکه فرغاذی مدخل باشند،
[بقدر و ملث جزای اصل فاعل است] .

(۳۱) — در حالیکه یک وارث عدم وقوع قتل را دانسته بر یک
شخص به تدارک شاهد زور دعوی قتل اقامه نماید و بطلان
دعوی او بصورت برجیات بودن مقتول ثابت شود
[وارث مدعی جزای شاهد زور میباید] .

* *

*

«باب اول»

(جنو جنایاتیکہ ضرر شان عام است، و مجازات بر آن مقرر گردید)

(فصل اول)

(جنو جنایاتیکہ غنبت خارجہ افغانستان)

(اخلال میس نماید)

(۳۲) — بادشمنان افغانستان متفق گردیده بر علیه افغانستان

یعنی برخلاف افغانستان سلاح گرفتن [اعدام]

(۳۳) — یکرولت اجنبی را بر علیه افغانستان بحرب برانگیختن [اعدام]

(۳۴) — در داخل شدن دشمنان افغانستان به دولت بهر سائیدن

و غرضیکه دشمنان به آسانی در افغانستان راه و سبیل یابند

راه ها، و ریل ها، و قلع ها، و ماشینخانه های افغانستان

تخریب نمودن، و لشکر دشمن را با سلاح و پول معاوضت

دادن، و لشکر افغانستان را در مقابل دشمن به عدم مقابلت

تشویق نمودن و یا بر آرزو به فعل آوردن یکی ازین جنایات

دشمنان را برادران [اعدام]

(۳۵) — دشمنان از ترقات عسکریه ملکیت نقشه های مداخله و تعرض

و مقدار قوهٔ عسکریه، و الحاصل یکی از اسرار عسکری

و اسرار مهمهٔ سیاسی را خبر دادن [اعدام] .

(۳۶) : — عسکر افغانستان را بفرار کردن بسوی دشمن تشویق

و اغوا نمودن [اعدام]

(۳۷) : — بیک مترکه از اسرار سیاسی و عسکری دولت بحسب

باموئیت خود واقف گردیده در حال عدم مآذونیت آنرا

بدشمن افشا نمودن [اعدام] .

(۳۸) : — در جدا ساختن و علیحدہ گردانیدن یک قسم اراضی افغانستان

از افغانستان، و یا خود را بنحوا براسی تأسیس دادن

یک ادارهٔ مستقلة جداگانه از ادارهٔ دولت کوشیدن

[اعدام]

(۳۹) : — بغرض کوشش در ایجاد یک حرب بر علیه افغانستان

بنحاک یک دولت جنبی پناه بردن [اعدام] .

(۴۰) : — پیش از اعلان حرب یکی از تبعهٔ افغانستان، در خدمت

عسکریهٔ دشمن بوده پس از اعلان حرب نیز در همان خدمت

دشمن پائیدن [پانزده سال حبس] .

(فصل دوم)

(بخم و جنایاتیکہ اغیت افغانستا را اخلاص نماید)

(۴۱) — تبعہ افغانیہ را بر علیہ حکومت بلفی و عصیان تشویق دادن

و متعاقباً فعل عصیان بوقوع آمدن [اعدام] .

(۴۲) — بے وقوع فعل بغاوت، فقط در تولید مادہ بغاوت کوشید

[حبس پانزدہ سال] .

(۴۳) — بیرقہا و نشانہاے افغانستان، و یادول اجنبیہ دوست

بغرض حقارت و استخفاف پارہ کردن [از دو سال

تا سہ سال حبس] .

(۴۴) — تشویق نمودن مالی افغانستان را بمقاتلہ یکدیگر، و بدیغرض

انہا را بضد یکدیگر مسلح گردانیدن [اعدام]

(۴۵) — جرائمیکہ در قاعدہ ۱۵ (۴۱) و (۴۲) و (۴۴)

بیان گردیدند، ہر گاہ از طرف بعض جمعیت ما بعمل آید

رؤسای شان [اعدام] و نفری شان [حبس دو سال]

میشوند، علاوہ بران جنایت ۱۵ یکہ درین قاعدہ ۱۵ بیان

گردید، ہر گاہ در انخصوص در میان بعض اشخاص اگر

و مفاهیمه بیان آید، و به بعضی اسباب تو تسل و زید
 شود کسانیکه در مذاکره و مفاهیمه شامل باشند :

رؤسای شان [جس دوام] .

و باقی شان [پانزده سال جس] .

اگر تنها مذاکره بوقوع آید و با سباب تو تسل و زید نشود :

رؤسای شان [ده سال جس] .

باقی اعضا [هفت سال جس] .

اگر از میان شان کینفر تکلیف نماید، و دیگران تکلیف را

رد نموده قبول نکنند، شخص تکلیف کنند [پنج سال جس] .

و کسانیکه تکلیف او را رد نموده بدولت خبر دهند

[از شش ماه تا یک سال جس] .

کسانیکه تدارک و اعمال و احضار و اعطای سلاح

و آلاتیکه یک جمعیت فسادیه برای مقصد خود

بآن محتاج است، پردازند :

هرگاه ماده فساد بموقع فعل آید [اعدام] .

و الا اگر بموقع فعل نیاید بدرجه تشبث باقی بماند [پانزده

سال جس] .

و چون افغانستان تجارت اسلحه جاریست، بنابراین
 کسانی که پیشه اسلحه فروشی و تجارت اسلحه مشغول باشند،
 هرگاه از آن وقوف نداشته باشند [از جزا معاف نیستند].
 (۴۶) — کسانی که عسکر دولت را به بلوا و بغاوت تحریک و تشویق

نمایند [اعدام]

(۴۷) — قصد ماشین خانه ها و انبار خانه ها دولت را احراق

نمودن [اعدام]

(۴۸) — کسانی که بتاراج کردن نقود و اشیای رعیت دولت

تشبث ورزند رؤسای شان [اعدام].

و بقیه نفسری [حبس دوام]

(۴۹) — دزدانیکه در کوه ها و صحراها مسلح گشت و گذار نموده و

لخت میکنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیه حد

لازم نشود بعد از تاوان [از پانزده سال تا حبس دوام].

(۵۰) — هرگاه کسانی که بمقصد قطع طریق، در کوه ها و صحراها مسلح

گشت و گذار نموده قبل از دزدی و تاراج گرفتار شوند

[از سه سال تا پنج سال حبس].

(۵۱) — از ارباب شقاوت مستمره کسانی که قبلاً هم مرتکب جنایت

گرویده باشند، و یا رهنرمانیکه در دست افتاده گان
خود را شکنجه و اذیت نمایند، و یا در اثنا بر قطع طریق
مردمان را میکشند [اعدام] .

(۵۲) — اگر رهنرمان کسی را قتل نکرده، و مال نگرفته مجروح کرد
اگر بمطابق تمسک القضاة الا مانیة حد لازم نشود بعد از
تاوان [از پنجاه سال تا ده سال حبس] .

(۵۳) — در کوچ ما و میدا آنها بغرض تشویق مردم برای عصیان،
اوراق مضرة مطبوعه را نشر کردن، و یا برای این مقصد
نطقها گفتن، هرگاه عصیان بظهور آید [اعدام] .
و هرگاه بظهور نیاید [نهی دوام] .

و اگر تکرار در محل دیگر هم از ایشان اینگونه اوضاع سرزند
اگرچه فعل عصیان بظهور نیاید [اعدام] .

(۵۴) — کسانی که اخبار ما و بیان نامه هاییکه بغرض تشویق مردم
برای عصیان نوشته شده باشند نزد خود داشته بنویسند
توزیع ننموده باشند [از پنجاه تا هشتاد سال حبس] .

فصل سوم

(در باره رشوت)

(۵۵): — قاضی و جملۀ مأمورینیکه و طایف و خدمات رسمیّه را

در عهده گرفته اند، و اعضاء منتخب و منصوب جمیع مجالس رسمیّه، و کسانی که از آحاد ناس مانند حکم و اهل خبره بوده بایک وظیفه رسمیّه مکلف هستند، و وکیلان دعوی، برائے نکردن چیزیکه نظاماً و قانوناً بکردن آن مجبورند و یا برائے کردن چیزیکه نظاماً و قانوناً به آن مجبور نیستند، پول و یا اشیائی که بنام هدیه بگیرند، و یا سایر منافعی که به اینصورت برای خود تأمین مینمایند، و فرق فاحشه که در بین قیمت حقیقه و ثمن مسای اموال و املاکی که برائے همین مقصد خواه کم و یا زیاد به بیع و شراشوند، گرفته میشود رشوت است.

(۵۶): — یک مأموریکه بغرض باطل گردانیدن یک حق رشوت بگیرد

[سه چند مقداریکه رشوت گرفته است از وی بقسمت خراب نقدی استرداد گردیده از سه سال تا پنج سال حبس]

(۵۷) — هرگاه رشوت تنها برای وعده کردن و یا نکردن کلام کار گرفته شده بطلان حق بعمل نیامده باشد [سه چند مقدار رشوت از وی استرداد گردیده از دسول تا سه سال حبس میشود].

(۵۸) — راشی یعنی رشوت دهنده بصورت رشوتیکه داده است بقسم جزای نقدی از وی ضبط گردیده علاوه بر آن [از یک سال تا سه سال حبس].

و نظر بصورت ثانی [تنها همان رشوتیکه داده است بقسم جزای نقدی او بخرینه دولت میرسد].
(۵۹) — اگر هنوز رشوت داده و گرفته نشده باشد، و تنهادر با اخذ و اعطای آن یک گفتگو و یا مقاوله تحریری بعمل آمده باشد [راشی و مرثی بصورتیکه در قاعده های بالا ذکر شد جزا می بیند].

(۶۰) — هرگاه یک آدم برای محافظه جان و مال و عرض خود، و الحاصل برای حفظ یک منفعت مشروع خود رشوت دادن مجبور گردد، رشوتیکه داده است واپس نبردش اعاده میشود، و تنها مرثی جزا می بیند.

(۶۱): — هرگاه يك مأمور در صورتيكه بر ايش رشوت تكليف شود
 و او آنرا قبول ننمايد و متعاقباً بدولت خبر بدهد، خودش
 علناً از طرف اشرف پادشاهي با يك تحسين يا تمليف
 گردیده و راشي جزا نمي بيند .

(۶۲): — كيكه بر رشوت دادن مجبور شود، و رشوت را بمرشي داد
 بايد در طرف يك هفته بدولت خبر بدهد، هرگاه بدلائل
 مقنعه رشوت را اثبات نمود شخص مذکور از جزاي
 راشي معاف ميشود .



فصل چهارم

(در باب سرقت اموال)

(۶۳): — كيكه اموال دولت را نقداً و يا جنساً بدسيسه و جعل كاري
 خيانت كند، هرگاه نقد باشد و مثل آن وجه نقد اگر جنس
 باشد و مثل قيمت همان جنس از نزدش استرداد گردد
 بجزئيه دولت داخل ميشود، علاوه بر آن بركت از رضا
 شرعي يكجا جنس، و از رضا شرعي الي هزار روييه از

یکسال الی سه سال حبس، و از هزار روپيه اضافه الی
ده هزار روپيه از سه سال تا ده سال حبس، و اگر اضاف
از ده هزار روپيه باشد از يازده سال الی پانزده سال
حبس، و مطابق ماده (۲۲) از مأموریت طرد.

(۶۴): — کيکه اموال دولت را نقداً و يا جنساً سقت نماید، اگر
مطابق تمسک القضاة الالمانيه حد لازم نشود اضافه
از نصاب شرعی الی یکصد روپيه یکسال حبس، از یکصد
روپيه اضافه الی هزار روپيه از دو سال تا سه سال حبس،
و از هزار روپيه اضافه الی ده هزار روپيه از پنج سال تا
ده سال حبس، اضافه از ده هزار روپيه از يازده سال
تا پانزده سال حبس کرده میشود، و هرگاه نقد باشد
دو مثل آن وجه نقد و هرگاه جنس باشد دو مثل قیمت بمان
حبس از نزد مجرم استرداد گردیده بخزائن دولت داخل میشود
و مطابق ماده (۲۲) از مأموریت مطرود شمرده میشود.

(۶۵): — کيکه در وقت بیع و شراء اشياء به حساب دولت در معاملات
خرید و فروش آن دست باری نموده خود از آن مستفید گردد
از ارفاقه (۶۴) جزا می بیند.

(۶۶): — اگر مرتکبین جرمهاییکه در همین سه قاعده فوق بیان گردیده

لازمست دولت نباشد با وجود آنهم مانند بالا جرامی میند .

(۶۷): — هرگاه یکی از مأمورین دولت حق یک آدمی را که از دولت

میگیرد تماماً نداده یک قسم از خودش بگیرد [دو مثل پیسه گرفته گی از وی است و او گردیده پنج سال حبس میشود] .

هرگاه بواسطه شخص دیگر مرتکب این جرم گردد [خود مأمور با مرتکب جرم بر طبق فوق جزا س میند] .

(۶۸): — هرگاه یکی از مأمورین دولت ، اجرت عمله را که بر او کار

دولت استخدام نموده است کم بدد و یا هیچ نداده خودش

بگیرد [پیسۀ که گرفته است از خودش دو مثل آن گرفته میشود

یک مثل آن حق اجوره عمله بوده بانه داده میشود ، و

مثل دیگر آن بقسم جزا نقدی بخزینۀ دولت سپرده میشود

و خودش پنج سال محبوس میاند] .

(۶۹): — هرگاه یکی از مأمورین دولت در مزایده واردات دولت

دست بازی نمود . موجب نقصان آن گردد [از مأموریت

طرد و از یکسال الی سه سال حبس میشود ، و هما نقد نقصانیکه

در واردات وارد نموده است از و بقسم تاوان گرفته میشود]

(۷۰): — هرگاه یکی از مأمورین دولت بکامتنش و استفاده خود
 شراوی علناً بالذات و یا علی طریق المشارکه، در خریداری
 بعضی اشیای که بوزارت و یا اداره او لازم بوده
 از طرف دولت در آن مخصوص امر داده شده باشد، و یا
 در خرید بعضی اشیای که بحساب دولت خریده میشوند
 و یا در فروش چیزی که از طرف دولت برای او
 سپرده میشود، مشارکت ورزید بود [از مأموریت طرد
 و از یکسال تا سه سال حبس].

(۷۱): — اگر در خرید و فروختن این اموال سرکاری اجرت
 وساطت بگیرد [از مأموریت طرد و از یکسال تا سه سال
 حبس].

(۷۲): — مأمورینیکه برای خود، و یا برای دیگران پیشه سرکاری را
 برداشت مینمایند [از مأموریت طرد و از یکسال تا دو سال حبس]

* *

*

فصل پنجم

(کسانیکه نفوذ اموریت خود را استعمال بچا نموده)

(و وظیفهٔ امور خود را ایفا نمی نمایند)

(۷۳): — مداخله کردن امور بصورت جبر و تحکم در حق مدعی یا مدعی علیه

بنا بر یک غرض و حایه، در حضور محاکم شرعیّه عدلیّه و اداره [طرد از اموریت].

اگر مداخله بصورت رجا و التماس بوده باشد [از دو صد

الی دو هزار روپیه از ممتنع جزای نقدی گرفته میشود].

(۷۴): — اگر در نتیجهٔ جبر و تحکم از محکمه بناحق یک حکم صادر گردد

[امور مداخله کنند از اموریتش طرد و از ششماه

تا سه سال حبس].

هرگاه در نتیجهٔ رجا و التماس از محکمه بغیر حق حکم صادر شود

[علاوه بر آنکه از اموریکه رجا و التماس نموده جزای نقدی

گرفته شود از دو ماه الی ششماه بندی هم میماند].

(۷۵): — قاضی یا محکمه یا اعضا مجلس مشوره علاوه

بر امضا نکردن بر مداخله که جبراً و یا التماساً بوقوع آمده است

عیاید که احوال آزا نیز بدولت اطلاع و اخبار نمایند
والا اگر در یکی ازین دو امر فروگذشت نموده بودند
[عزل از مأموریت] .

(۷۶) : — رئیس مای مجلس و یا قاضی مای محکمات شیکه معامله را
از روی جبر و التماس شنیده آزا اجرا کرده باشند
[شش سال طرد از مأموریت و یک سال حبس] .

و اعضای آن [تنها شش سال طرد از مأموریت] .
(۷۷) : — اگر یک مأمور در اجرا نکردن یکی از اوامر و قوانین و
نظامات دولت، و یا برای تحصیل نشدن اموال دولت
صرف نفوذ بنماید [از سه سال تا پنج سال حبس] .

(۷۸) : — اگر کسیانیکه با این طریق صرف نفوذ عینا نمایند از مأمورین

دولت نباشند [از دو سال تا سه سال حبس] .
(۷۹) : — هرگاه کدام وزیر و یا نائب الحکومه، و یا حاکم اعلیٰ حاکم

و علاقه دار، و ستونی و سر رشته دار، و قاضی و مأمور

مالیه، و مدیران تجارت و زراعت و گمرک در داخل

منطقه مأموریت خود، تجارت خرید و فروخت ارزاق

در دست خود گرفته بالذات اجرا نماید، این تجارت

خواه علنی باشد یا ستری [از مأموریت طرد میشود و از
یکهزار الی بیست هزار روپیه جزاے نقدی میدهد]
فقط در جائیکه هست اگر از خود املاک و اراضی داشته باشد
تجارت محصولات زمین ماسے خودش ازین قاعده
مستثنی میباشد .

(۸۰) — هرگاه مأموریکه بلا عذر معقول ، فرمانها و امرنامه هاییکه
دولت نشر نموده باشد نشر ننماید [طرد از مأموریت] .

(۸۱) — هرگاه یک مأمور بلا سبب مقبول در ایفاے وظیفه
خود غفلت و احمال ورزد ، و یا امرے را که از طرف آمرش
موافق به احکام قانونیه داده شده باشد اجرا ننماید ، اگر
ازین عدم اجرا براسے دولت یک ضرر برسد ، نظر بدو
ضرر [از پنچصد روپیه تا ده هزار روپیه جزای نقدی] .
و هرگاه از ان سیاست دولت یک ضرر برسد از
[دو سال تا سه سال حبس] .

و اگر از ان براسے یکی از رعایا یک ضرر مالی رسید
علاوه بر جزاے فوق [تا وان همان ضرر از وی
نیز گرفته میشود] .

فصل ششم

(تعدی مأمورین دولت بر رعایا)

(۸۲): — هرگاه یکی از مأمورین برائے اعتراف کنایند جنم،
بریک شخص مظنون یا متهم باذیت و شکنجه او امر نماید،
و یا خود بالذات اجرا دارد [از مأموریت برائے همیشه
طرد، استرداد رتبه و نشان، حبس ده سال].
اگر آدم شکنجه شده از صدمه شکنجه و فاقات یابد،
[کسیکه شکنجه او را امر داده است جزا قتل را
مے بیند].

(۸۳): — هرگاه یکی از مأمورین در حق یک مجبوس از طرز مجازات
قانون تعیین نموده است، بالاتر و سنگین تر آنرا اجرا نماید
و یا اجرا بر آنرا بدگرے بفرماید [از یک سال
تا سه سال حبس].

(۸۴): — هرگاه یک مأمور مخالف طرزیکه آنرا قانون نشان داده است
بخانه یکی از رعایا داخل شود [از سه تا سه سال حبس].
اگر هم در خانه داخل شود و هم بخوابش خود، به اجرا

جستجو و تقشیر قیام و اقدام نماید [از یکسال تا سه

سال حبس] .

(۸۵) : — اگر غیر از مأمورین یک آدم دیگر در خانه یک کسی بی آنکه

خانه خودش باشد، جبراً و یا خود تهدیداً و تحویفاً، و یا آنکه

خفتنا و اغل شود [از یکماه الی یکسال حبس] .

(۸۶) : — هرگاه یکی از مأمورین مال و ملک یکی از رعایا را جبراً اشترا

و یا بداد عا بی معنی ضبط کند و یا بفروشد [مال

و ملک که گرفته شده دوباره بصاحبش عیناً و یا بدلاً

اعاده میشود، خود مأمور طرد و از شش ماه تا سه سال

(۸۷) : — اگر یکی از مأمورین دولت، از رعایا زیاده از محاصل

دولت یک چیز اضافه ستانی نموده آزاد کشته

خود بریزد [علاوه بر استرداد و چند مقدار یک گرفته است

از دو سال الی سه سال حبس] .

هرگاه خودش نگرفته، و مبلغ اضافه را بخرینه دولت

تحویل نماید [همان مبلغ از خود او گرفته بصاحبش

واده می شود] .

(۸۸) : — هرگاه یک مأمور و یا یک رئیس سرکرده مالی غیر از خدایک

بموجب کدام نظام مناسبه و یا فرمان پادشاهی امر شده
باشد رعایا را بیکار گرفته از آنها کار بگیرد [اولاً حق اجرت
عمله بیکار از وی گرفته بعمل داده میشود، و ثانیاً از ششماه
تا سه سال حبس میشود، و اگر از جمله مأمورین باشد
از مأموریت هم طرد میگردد].

(۸۹): — هرگاه از مأمورین دولت و یا آدمهای شان، و
یا منصبداران و سپاهیان نظامی و کو توالی در خانه
رعایا و امانی فروکش گردیده مفت و جبراً اطعام بخورند
و یا بر اسپ یا خود جو و گاو و غیره بگیرند [قیمت شایسته
گرفته و خورده اند استرداد گردیده بصاحبانش
واده میشود، از مأموریت طرد و از یک هفته تا یک ماه
حبس].

اگر فوج نظامی در اشاعه کج از یکجا بدیکر حاکم
انجمن حرکت گردد [قیمت چیزهای که گرفته شده باشد تقسیم
تاوان از منصبدار فوج که با ایشان درین جرم شرکت بود
گرفته میشود، و خود منصبدار و در دیوان حرب در تحت مجازات
آمده از خدمت سکری طرد، و از یکسال تا سه سال محبوس ماند].

فصل هفتم

(کسانیکہ بر امورین دولت مخالفت کنند)

(و بہ آنہا بے اطاعتی یا تحقیر نمایند)

(۹۰): — کسیکہ امورین دولت را در اثنا بے ایفائے وظیفہ شان

و یا در یک امرے کہ متعلق خدمت شان باشد، از کلام

سبے برای شکستادن قدر و ناموس شان تحقیر کند، و یا

در حق شان طالع لسان یعنی زبان درازی نماید و یا

خود تحویف نماید [از یکہفتہ الی یکماہ حبس] .

اگر این معاملہ در اثنا یکہ یک محکمہ و یا یک مجلس مشورہ

بکار مشغول باشد واقع گردد [از شش ماہ تا یکسال حبس

و یا از دو صد الی چہار صد روپیہ جزای نقدی] .

(۹۱): — کسانیکہ سپاہیان و منصبداران نظامی و کوتوالی و

پلیس را در اثنا بے وظیفہ شان حقارت کنند [از

یکہفتہ الی یکماہ حبس، و از بیست روپیہ تا دو صد روپیہ

جزای نقدی] .

اگر در اثنا بے این حقارت سلاح ہم کشید شود،

یکسال حبس] .
 (۹۲) : — کسانی که یکی از مأمورین و یا از سپاهیان و منصبداران
 نظامی و کو توالی و پولیس را در اثنای ایفای وظیفه
 و یا بخاطر وظیفه شان که ایفا نمایند، ضرب و جرح
 و یا اینکه جبر و تشدد نمایند [علاوه بر جزای مستلزم]
 ضرب و جرح، از یکسال تا سه سال حبس] .



فصل هشتم

(کسانی که مجبوس را میگریزانند، و یا از باب جنایت)
 (میدانند و حمایت مینمایند)

(۹۳) : — هرگاه از پیش سپاهی یا منصبدار نظامی و پولیس که
 بر محافظه یک مجبوس مأمور باشند بسبب غفلت
 و بی پروائی مجبوس بگریزد و نظر بدرجات اسهال و غفلت
 شان اگر مجبوس محکوم باعدام باشد [از هشت
 تا ده سال حبس] .
 و در باقی آن از ربع تا ثلث میعاد حبس مقرر مجبوس
 پوره میکند .

و اگر مجبوس مذکور را قصد بگیریزانند [هرگاه مجبوس را علم
محکوم باشد پانزده سال حبس، و پانزده سال از آن نصف
مدت محکومیت مجبوس را جزای حبس می بیند].

و هرگاه مجبوس هنوز محکوم علیه نگردیده باشد و در باره
او حکم صادر نشده باشد و قصد او را بگیرانند [از
سه تا چهار سال حبس].

(۹۴) — هرگاه یکی از رعایا سبابه را که فرار مجبوسین را
تسهیل نماید تهیته و تدارک کند [از یک سال تا سه سال
حبس].

(۹۵) — کسانی که برای تسهیل فرار مجبوسین برای شان
سلاح و سائره تدارک نمایند [از ده سال تا پانزده
سال حبس].

(۹۶) — کسانی که یک بندی فراری و یا اشخاص متهم بالجنایت
شناخته حمایت نمایند [از یک سال تا سه سال
حبس].

و خویشاوندانش از اصول و فروع، از قبیل پدر و مادر
و ازواج و اولاد شخص مذکور از مجازات معاف میباشند.

فصل فہم

(کسانیکہ مہر اے شکند، ویا اشیاء امانت)

(واوراق رسی اے دزدند)

(۹۷) — از طرف مأمورین دولت مہر یکہ برای حفظ بعضی اشیاء

ویا اوراق و یا کدام محل وضع شدہ باشد، ہر گاہ آن

مہر از سبب غفلت و سہل انکاری کیکہ بحافظہ

آن مأمور است شکستہ شود [از مأموریکہ غفلت

نمودہ است از دزد و دہد روپیہ تا یک ہزار روپیہ جزا

نقدی گرفتہ میشود] .

(۹۸) — کیکہ مہر را شکستازدہ باشد [از شہاہ

تا یک سال حبس] .

اگر مہر را خود ہمان مأموریکہ بحافظہ آن گذاشتہ شد

شکستازدہ باشد [از یک سال تا سیال حبس] .

(۹۹) — علاوہ بر شکستہ شدن مہر ہر گاہ بعضی اشیاء

واوراق ہم دزدی شدہ باشد [بعد از تاوان

اشیاء از پنچ سال تا دہ سال حبس] .

(۱۰۰) :- کسیانیکہ اوراق رسمیت دولت بر سرقت و یا محو

و اتلاف نمایند [از یک سال تا دو سال حبس] .
اگر سرقت و یا محو و اتلاف آن از طرف مأموریکه محافظ
آن است بعمل آید [از سه سال تا پنج سال حبس] .

و اگر سرقت و یا محو و اتلاف آن از غفلت و سهل انگاری
مأموریکه محافظ آن است بوقوع آید [تنخواہ یکماہہ اش
بقسم جزای نقدی گرفته میشود، و از یک ہفتہ تا یکماہ
حبس] .

(۱۰۱) :- اگر شک تہ شدن محرو سرقت اوراق رسمیت، و

محو و اتلاف آن از طرف بعضی اشخاص بصورت
ہجوم بر محافظ آن بعمل آید، ہر یک از ہجوم کنندگان
[از پنج سال تا دہ سال حبس] .

(۱۰۲) :- ہر گاہ مأمور پوستہ خطوط رسمی و خصوصی کہ بہ پوستہ

خانہ او سپردہ میشوند، آنرا بکشاید، و یا در کشادہ
آن مساعدہ نماید [از بیست روپیہ تا صد روپیہ
جزای نقدی، و از یکماہ تا سہ سال

حبس] .

فصل دهم

(کسانیکہ بی اختیار و مأذونیت، بخود)

(صفتِ رسمیه اضافہ مینماید)

(۱۰۳) :- کسیکہ بے صلاحیت و مأذونیت خود را چنان
نشان بدید، کہ گویا بیک منصب ملکی و یا نظامی منسوب
بودہ علاوئاً بہ ایفاے وظایفیکہ بآن منصب عاید است
جرات ورزد [از یکماہ تا دو سال حبس] .

(۱۰۴) :- کسیکہ بدون مأذونیت دولت سر بخود حق داری و بحق
رسانی کسے را نماید [از یکماہ تا یکسال حبس] .
(۱۰۵) :- کسیکہ اموال غیر منقولہ را کہ از نزد وی حکماً گرفتہ شد
و مستحقش تسلیم کردیدہ باشد، بالنگر ضبط نماید
[از یکسال تا دو سال حبس] .

(۱۰۶) :- کسیکہ نشانی را کہ از طرف حکومت بر او
نشده باشد بپوشد، و البسہ رسمیه بالاندرارتہ
خود را بپوشد، و یا در حالیکہ ہیچ رتبہ نداشته باشد لباس
رسمی در بکشد [از یکمہفتہ تا یکماہ حبس] .

فصل یازدهم

(کسائیکہ سلسلہ اخباراتِ تلغراف)

و تیلفون را خراب کنند

(۱۰۷) :- کسائیکہ آلاتِ تلغراف و تیلفون را قصدًا خراب

نمایند [علاوہ برد و چند قیمت ضرر از سہ ماہ

تا دو سال حبس] .

(۱۰۸) :- کسی کہ سیمِ تیلفون و تلغراف را بریدہ و چوب

ہائے آنرا انداختہ ، موجب تعطیل و تعویقِ مخابرات

گردد [از یک سال تا سہ سال حبس ، و از پنجد

روپیہ الی دو ہزار روپیہ جزا بے نقدی] .

(۱۰۹) :- اگر این معاملہ بریدن و تخریبِ سیمِ ہائے تیلفون

و تلغراف ، در اثباتِ یک محاربہ و یا اختلال

بوقوع آید [اعدام] .

* *

*

فصل دوازدهم

(قلب چلا نخصا)

(۱۱۰)

(۱۱۰): — کسانیکه مسکوکاتِ قلب میسازند، و قلب چلا نی میکنند [از ده تا پانزده سال حبس].

(۱۱۱): — کسانیکه پیسه قلب را نداشتند داد و ستد نمایند، هیچ مستحق جزا نمیشوند، فقط بعد از آنکه قلب شناسی آموخته باز بهم بچلایند آن کوشش و رزق [از بیت رویه تا صد رویه بجزای نقدی محکوم میشوند].



فصل سیزدهم

(کسانیکه سند و یا مهر ساخته گی می سازند)

(۱۱۲): — کسانیکه فرمانها، پادشاهی و مهرهای حکومت

و مهرها و امضاها، امورین دولت، و اوراق و

سنداتی که تعلق بدفترها باشد، تقلید و تحریف نمود

استعمال کنند [هرگاه از آن منفعت حاصل گردد]

دو چند ہمان مقدار ازوے جزاے نقدی گرفته

شده، ازده سال تا پانزده سال حبس [] .

ہر گاہ از فرمان ساخته گی پادشاہی بدولت یک

ضرر کلی برسد [اعدام] .

کسانیکہ اینگونه اوراق ساخته گی و محرف بہ دست آورد

استعمال نمایند [از پنج سال تا دہ سال حبس] .

(۱۱۳) :- ہر گاہ یکی از مأمورین خواہ در میان سطرناے اعلام

و فیصلہ آرا و اسنادات و سائر سجلات و قاتر

کہ در اثناے ایفاے وظیفہ خود مینویسند،

یا بتغیر خط و خاتم و امضا و یا در صورت نوشتن

اسم یک شخص بعض شخص دیگر تحریفات نمودہ اینگونه

ساختہ کاری نمایند [از دہ سال تا پانز دہ

سال حبس] .

(۱۱۴) :- ہر گاہ یک مأمور در اثناے ایفا وظیفہ خود، در وقت

نوشتن اوراق رسمیہ کہ تنظیم میکند، یک چیز را

کہ یک آدم نگفتہ است بقسم گفتہ گی او، و چیزی کہ

گفتہ باشد بر عکس آن نوشتہ بدین صورت ساختہ کاری نماید

[ازده سال تا پانزده سال حبس] .
 (۱۱۵) : — رئیس های مجلس وقاضی های محکمه که اوراق ساختگی
 وقاعده های فوق الذکر را دانسته در موقع اجرا بگذرانند

[ازده سال تا پانزده سال حبس] .
 (۱۱۶) : — کسانی که به اداره های گمرک بیان نامه ها و بیجک های
 ساخته گی و محرف و خلاف حقیقت را ابراز نمایند
 [از یک هفته تا یک ماه حبس، و از دو صد روپیه تا دو هزار روپیه
 جزای نقدی] .

(۱۱۷) : — کسانی که خواه برای خلاص کردن خود و یا دیگران
 از خدمت دولت بنام طبیب ها شهادت نامه
 ساخته گی بسازند [از یک سال تا سه سال حبس] .
 (۱۱۸) : — همچنان طبیب و جراح ها نیکه خواه مبنی بر شوت و خوا
 بنا بر خاطر و التماس برای رهایی یک آدم
 از خدمت دولت شهادت نامه کاذب بدهند [از یک سال
 تا سه سال حبس] .

(۱۱۹) : — کسانی که بنادانی و ناشناسی چیزهای ساخته گی و تقای
 استعمال میکنند [از جزا معاف هستند] .

فَصْلٌ چَهَادَهْمُ

(آتش زنندگان)

(۱۲۰) : — هرگاه يك آدم در داخل محروقريه بخانه كسي قصداً

آتش زده باعث سزايت كردن آن ببنام
ديگر گردد، حريق و سوخته گي كه بدين صورت ظهور كند

فاعل آن [اعدام] .

و اگر از همايخانه بخانه ديگر سزايت نكند

[حبس دوام] .

و اگر چه سزايت نكند و موجب تلف نفس يكي از

امالي همايخانه گردد [اعدام] .

(۱۲۱) : — كسانيكه خواه در داخل شهر و خواه خارج شهر در وقوع

يافتن حريق تشبث بنمايند، و لاكن بفعل آورده نتوانند

[از پنجاه سال تا به ده سال حبس] .

(۱۲۲) : — كسيكه چوبها را بريده و محصولات درويده را

ماند خرمين و غيره آتش بدهد [بعد از تاوان بجايش

از سه سال تا پنجاه سال حبس] .

(۱۲۳): — هرگاه حریق که قصد از طرف آتش زندگان بوقوع آید موجب وفات انسانها گردد [شمارانگیران اعلام می شوند].

(۱۲۴): — کسیکه یک آدم را با آتش زدن امر و اجبار نماید اگرچه آتش زده گئی بوقوع نیاید [شخص جابر از سال تا پنج سال حبس].

فصل پانزدهم (در خصوص شراب)

(۱۲۵): — در افغانستان ساختن شراب و استعمال و ادخال آن و سكرات دیگر بملك بالكلية ممنوع است، مگر چرس و بنك که از محصولات افغانستان است، تنها استعمال و خرید و فروش آن برای استعمال در داخل ممنوع است، اعمال و اخراج آن بملك خارج ممنوع نیست.

(۱۲۶): — کسانی که علناً شراب نوشی نمایند [بهشتاد و پنج ضرب می شوند، و فی قده (۱۰) روپیه جزای نقدی].

(۱۲۷): — کسانی که خفّیّا شراب نوشی نموده، از آثار بیانیّه

یعنی از بعضی قرائن و استدلالات خفّیّا شراب نوشی

شان بقرار شرعی ثابت گردد [هشتاد و نه ضرب

میشوند، و فی درّه (۱۰) روپیه جزای نقدی].

(۱۲۸): — کسانی که شراب ب دیگران میفروشند [هزار و پیه

جزای نقدی و سه سال حبس].

(۱۲۹): — کسانی که شراب سازی مینمایند، بعد از اطلاق

شراب او [هزار و پیه جزای نقدی و سه سال حبس].

(۱۳۰): — کسانی که از خارج شراب را با افغانستان داخل مینمایند

[شرایش اطلاق و بقدر نصف قیمت شراب از وی

جریمه گرفته میشود، و تا سه سال حبس].

همه قواعد این فصل خاص به اهل اسلام و تبعه افغانیه

عاید است، فقط در باره تبعه اجنبی کسیکه برای تجارت

با افغانستان شراب را داخل کند و یا به افغانها

بفروشد بموجب قاعده های فوق جزای میند.

(۱۳۱): — کسانی که چرس و بنگ میکشند و یا بتریاک میخورند،

هرگاه ستن شان از (۲۵) کم باشد [از ۲۵ تا ۳۹

درّه جزای ضرب [
 و هرگاه زیاده تر از (۲۵) باشد و نوعاً کند
 [از ۵۰ تا ۷۵ درّه جزای ضرب] .
 برای کسانی که از سابق گرفتار چرس و بنگ باشند
 تا دو سال معاف، بعد از دو سال [از ۵۰ درّه الی
 ۷۵ درّه ضرب] .
 برای تریاکیان عملی [نصیحت مؤثره] .



فصل شانزدهم
 (کسانی که بازنگر بازی میکنند و یا مانند آن حرکت
 مخالف اخلاق و آداب عمومی نمایند)
 (۱۳۲) :- کسانی که علناً و یا خفیهً بازنگر بازی کنند [شش ماه
 حبس، و از چهار صد الی پنج صد روپیه جزای نقدی] .
 (۱۳۳) :- کسانی که علناً و یا خفیهً بازنگر بازی کنند [یک سال حبس] .
 (۱۳۴) :- هرگاه پدر و یا یک بچه پیش روی خود همان بچه را برقصیدن
 مساعد نمایند [دو صد روپیه جزای نقدی] .
 (۱۳۵) :- برای هر دسته بازنگر فی نظر [ده روپیه جرم] .

باب دوم

فصل اول

(جنایت یا جرم یا نیکہ در حق اشخاص بوقوع میرسند)
(۱۳۶): — در مسائل قتل و جرح براس تفصیلات احکام قصاص و دیت، قاضی باید که بکتاب تنک القضاة الامانیة مراجعت بکند.

(۱۳۷): — قتل عمد: قتل عمد قلیست که باستعمال آله قاتله قصد حادث شود، چون سلاح و باقی اسباب کشتنی. قتل شبه عمد: قلیست که بغیر سلاح و آلات کشتنی بقصد اتمام حادث شود.

(۱۳۸): — هرگاه شخصی شخص دیگر را بصورت عمد قتل نماید [قصاص].

(۱۳۹): — هرگاه فاعل قتل عمد نامعلوم باشد [دیت از قاتله گرفته میشود].

(۱۴۰): — هرگاه قاتل بفعل قتل عمد اقرار باشد، و ورثه مقتول او را

- عفو نمایند [ده سال حبس] .
- (۱۴۱) :- هرگاه تنها یک نفر از ورثه مقتول قاتل را که بر فعل قتل عمد اقرار نکرده عفو نماید بعد از دیت [پنج سال حبس] .
- (۱۴۲) :- و اگر بسبب قومداری و لحاظ پیسه داری قاتل از طرف ورثه مقتول عفو شود [بهمه حال از طرف دولت حکم قتل در باره اش در معرض اجرا گذاشته میشود] .
- (۱۴۳) :- هرگاه یکی از ارباب جنایت و شقاوت مستمره برآب عمل آوردن یک جنایت عظیم مردمان دیگر را غدرانه اشکنج و یا اذیت نماید سیاستاً بجزای قاتل محکوم میشود .
- (۱۴۴) :- هرگاه شخصی بصورت شبهه عمد که را بقتل رساند [دیت شرعی] .
- (۱۴۵) :- هرگاه شبهه عمد مکرر شد [سیاستاً اعدام] .
- (۱۴۶) :- اگر دیت شرعی داده نتواند، بعوض هر هزار ریقه دیت [یک سال حبس] .
- (۱۴۷) :- اگر ورثه مقتول دیت را عفو کند [یا سه و نیم هزار روپیہ و یا سه و نیم سال حبس] .

(۱۴۸) :- و اگر عفو در حق یک قوم دار و دولت مند باشد

[یا پنجاه هزار روپیه و یا پنجاه سال حبس]

(۱۴۹) :- کسیکه جنایت مقتول را اخطا نماید، و یا بے انگه

بحکومت خبر بد بد دفن کند [از یکماه تا یکسال حبس]

(۱۵۰) :- هرگاه شخصی شخص دیگر را الت و کوب و یا جرح نموده

و موجب قطع و شکستن و سقوط عمل یعنی از کار

بر آمدن یکی از اعضایش گردد علاوه بر دیت شرعی

در صورت عمد از [دو سال الی سه سال حبس]

و از غیر عمد [از یکسال الی دو سال حبس] میشود.

(۱۵۱) :- شخصی که شخص دیگر را الت و کوب و یا مجروح نموده

زیاده از بیست روز موجب از کار پس ماندن او

گردد، اگر بمطابق احکام تمسک القضاة الایمانیه

قصاص و یا دیت لازم نباشد بعد از ادا

اجر طبیب و مرهم بها [از یکسال تا دو سال حبس]

(۱۵۲) :- اگر مضروب و یا مجروح کم از اندازه که در قاعده

فوق بیان شد متاثر و معطل گردد شخص زننده

و جرح کننده اگر بمطابق احکام تمسک القضاة الایمانیه

دیت و یا قصاص لازم نشود بعد از مرهم بها [از یک هفته تا یک ماه حبس].

(۱۵۳) :- کسیکه محض تعرض تخویف و تهدید سلاح بکشد [از یک ماه تا سه ماه حبس].

(۱۵۴) :- کسیکه از آبا و اجداد و اقربا خود یکی را ضرب و جرح نماید هرگاه ضرب و جرح موجب یک بیمار می‌گردد [از شش ماه تا یک سال حبس].

و اگر زیاده از بیست روز موجب بیماری گردد [از یک ماه تا دو سال حبس].

و اگر سبب سقوط یکی از اعضا شده علاوه بر دیت شرعی و قصاص [از سه سال الی پنج سال حبس].

(۱۵۵) :- کسیکه مقصد قتل و اسلح نمود [پنج سال حبس].

(۱۵۶) :- کسیکه خطا سبب تلف یک آدم گردد، اگر کیفیت

قتل از عدم دقت و یا عدم رعایت بنظامات صادر

گردیده باشد [بعد از دیت شرعی از شش ماه

تا یک سال حبس].

(۱۵۷) :- هرگاه شخصی خطا شخص دیگر را مجروح بسازد [بعد از دیت

شرعی کہ ادا نماید اگر کیفیت جرح از عدم رعایت
بنظامات پیش آمده باشد از یکجا تا شش ماہ حبس [.
(۱۵۸) :- ہر گاہ یک شخص بہ امر یک آمر جا بر شخصے راجعہ او کرما
قتل کند و یا ضرب و جرح نماید، جزاے قاتل و ضارب

و جارج در حق آمرش اجرا میشود .
(۱۵۹) :- ہر گاہ کسی در ہنگام شب و یا روز شخصے را ببیند
کہ بخانہ و یا بدکانے نزد بان گذاشتہ می براید
و قفل و یا زلفی کہ در زیر قفل است آزار میکشد و میشکند
و یا دیوار یکخانہ مسکون را سوراخ و یا دروازہ اش را
لٹک میکند، و یا در صحرا و دشت مال را جبراً گرفتار
بخوابد و بغرض بازداشتن و ممانعت، صاحب خانہ
و یا صاحب مال شخص مرتکب راقتل و جرح نماید،
و بغیر قتل و جرح امکان نہ داشتہ باشد قاتل و جارج
شخص مذکور از جزاے قاتل و جارج بکلی معاف دانستہ
مے شود .

(۱۶۰) :- کسیکہ در خانہ خود مردیگانہ را با حرم خود دیدہ اورا
بقتل رساند نیز از جزا معاف دانستہ میشود .

(۱۶۱): — شخصیکه نامه تهدید قتل بفرستد بدین مضمون که در صورت

عدم ایفاءِ مطلوبات خود او را محو و اعدام خواهد نمود

[از سه سال تا پنج سال حبس]

اگر تهدید شفاً بوقوع آید [از سه ماه تا یک سال حبس].



فصل دوم

(جنود جنایاتیکه متعلق با سقاط جنین هستند)

(۱۶۲): — زنیکه به استعمال وسایط مخصوصه، و یا از طرف دیگری

به استعمال آن رضاداده موجب استقاط جنین خود گردد

[علاوه بر تاوان شرعی دو صد روپیه جزای نقدی

و از شش ماه تا یک سال حبس].

(۱۶۳): — کسیکه برضایکزن تدارک وسایط مخصوصه نمود

جنینش را سقاط نماید [علاوه بر تاوان شرعی

دو صد روپیه جزای نقدی، و از یک سال تا دو سال

حبس].

(۱۶۴): — هرگاه درین اثنا حادثه فوات گردد، مسقط جنین،

[علاوه بر تاوان شرعی از پنجاه سال تا ده سال حبس] (۱۶۵): — در صورتیکه بدون رضای زن و سایر مخصوصه استعمل کرده شود، و یا افعالی مانند ضرب و جرح موجب سقوط جنین گردد، فاعل [علاوه بر تاوان شرعی از پنجاه سال تا ده سال حبس] .

(۱۶۶): — اگر در اثنا اینگونه اسقاط جنین زن وفات نماید [علاوه بر تاوان شرعی پانزده سال حبس] .

(۱۶۷): — هرگاه اینچنین جنایت را یک طبیب یا قابله اجرا نماید [علاوه بر جزای آنیکه در قاعده است پنجگانه معین] در حکم هر قاعده که داخل باشد، مقدار جزای قاعده مذکور یک بر یک کنیم علاوه میشود] .

فصل سوم

(کسانی که بتک عرض نمایند)

(۱۶۸): — هرکسیکه بایک بچه فعل شنیع اجرا نماید [اعدام] .

(۱۶۹): — اگر مفعول کمتر از ده سال باشد [از جزا معاف] .

- و اگر کمتر از پانزده سال باشد [۱۱ دوره] .
- و اگر عمر مفعول زیاده از پانزده سال باشد ، وجب بر افعَل
 شنیع در حق او اجرا شود [از جزا معاف] .
- (۱۷۰) : — اگر مفعول عمرش زیاده از پانزده سال بوده برضا
 و رغبت خود بفعل شنیع تن داده باشد [اعدام] .
- (۱۷۱) : — اگر کسی برابر بچه بازی بچه نگاه کند [از هزار روپیه
 الی پنجاه هزار روپیه جزا سے نقدی ، و پنج سال حبس] .
- (۱۷۲) : — اگر کسی در حق دختر خانہ باکرہ کہ هنوز بشوہر نہ رسیدہ
 باشد فعل شنیع اجرا کند ، ہر گاہ نہائی محضن عیالدا
 باشد [اعدام] .
- و ہر گاہ محضن عیالدا رنشدہ باشد : زانیہ { (صدقہ) .
- (۱۷۳) : — ہر گاہ یک مرد محضن با یک زن محضنہ برضا سے
 جانبین فعل شنیع اجرا نمایند : زانیہ { (اعدام) .
- (۱۷۴) : — اگر یک مرد غیر محضن با یک زنیکہ شوہر زن یک عسکری
 باشد ، کہ در مقابل دشمن بمباریہ است : زانیہ { (اعدام) .
- (۱۷۵) : — اگر کسی یک زن شوہر دار را کہ شوہرش خواہ در سفر
 و خواہ در حضر و خواہ زن عسکری و خواہ از اٹالی باشد

بطور جبر و یا حیلہ بگریزند [۷۹ درہ ضرب ده سال
جس] .

در صورت جبر و حیلہ زن شوہر دار از جزا معاف ، و در
صورت رضا بہ جزا اس مذکور گرفتار میشوند .

(۱۷۶) :- اگر کسی یک زن بیوہ را و یا یک دختر را بطور جبر و
یا حیلہ بگریزند [۳۹ درہ ضرب و سہ سال حبس] .

(۱۷۷) :- اگر یک مرد زن یک عسکر را بگریزند ، ہر گاہ شوہرش

مسافر باشد [اعدام] و ہر گاہ حاضر باشد [۳۹ د]

(۱۷۸) :- ہر گاہ شخص غیر محسن با یک زن محسنہ فعل شنیع اجرا

نماید ، زانی [صدورہ] زانیہ [اعدام] .

(۱۷۹) :- ہر گاہ یک شخص غیر محسن با یک زن غیر محسنہ

زنا کند [زانیہ] {صدورہ} .

(۱۸۰) :- اگر یکی از طرفین در ارتکاب فعل شنیع جبراً مجبور شدہ

باشد [مجبور از جزا معاف استہ میشود] .



فصل چهارم

(شاهدی دروغ قسم ناحق)
(۱۸۱) :- کسانی که در طرفداری و یا مخالفت یک شخصیکه بقوه
متعلق جنایات متهم گردیده باشد شاهدی ناحق بدهند
[۳۹ دره و تشهیر] .

(۱۸۲) :- کسانی که در طرفداری و یا مخالفت متهم جنج و قباح
شاهدی ناحق بدهند [۳۱ دره و تشهیر] .
کسانی که متعلق مسایل حقوقیه شاهدی دروغ و یا قسم
ناحق بخورند [علاوه بر مقدار نقصانیکه بصاحب حق
رسیده، ۳۹ دره و تشهیر] .

فصل پنجم

(بهتان و افترا)

(۱۸۳) :- هر کس که بقوه اجرائیه و یا بقوه عدلیه و یا بیک یا بویکی
واسطه رسانیدن کیفیت است، باین دو قوه اخبار بدهد

و یا شکایت نامہ دادر بیک شخصیکہ بیگناہی اور محقق
میسباند، یا از پر اسب غرض بیک نامور بیک
گناہ را اسناد کند، و یا خود در مخالفت آن شخص آثار
دلائل مادیہ بسازد؛

ہر گاہ جرم اسناد کردگی از نوع قباحت باشد منقری
[از یکماہ الی ششماہ حبس]۔

ہر گاہ جرم اسناد کردہ کی از نوع جنح باشد [منقری
از ششماہ تا دو سال حبس]۔

ہر گاہ از نوع جنایت بودہ و شخص اقرار شدہ از سبب
آن توقیف گردیدہ باشد [از پنج سال تا دہ سال حبس]۔
ہر گاہ از نوع جنایت بودہ و منقری علیہ توقیف
نشہ باشد [از دو سال تا سہ سال حبس]

(۱۸۴) — ہر گاہ شخصے برخلاف شخص دیگر قذف یعنی جرم اسناد
زنار را ارتکاب کند؛

قذف بر طبق فصل مخصوص تشکک القضاء الاثم
[۸۰ درہ ضرب میشود]۔

(۱۸۵) — ہر کسیکہ برخلاف دیگر تعیین یک جرم مخصوص

و یا به بیان کردن یک ماده مخصوصه که تشکیل جرم نماید،
مردمان را بحقارت و خصومت خود معروض داشته و
یا کسی را با اسناداتی که موجب کسر ناموس و اعتبار
او باشد ذم کند [از دو ماه تا یک سال حبس].

(۱۸۶) :- برای اینکه ذم مذکور مستلزم جزا باشد، واقع گردیدن
آن یکی از صورتهاییکه در ذیل نشان داده شده شرط است:
اولاً :- در مواجهه متجاوز علیه در یک مجلس و یا در یک قعیه
دیگر اشخاص شنیده بتوانند علنی باشد.

ثانیاً :- باید در غیاب متجاوز علیه، و لاکن با یک چند اشخاص
مجمع و یا متفرق اختلاط کرده اجرا شود.

ثالثاً :- باید بصورت رسم و نوشته و قاریقا تور که
بر عموم نشر و تشهیر میگردد، و یا بر بعضی مردمان
توزیع گردیده باشد و یا مکتوب کشاده که براه
رست به متجاوز علیه فرستاده شده باشد
و یا بواسطه ورقه پوست وقوع یافته باشد.

رابعاً :- باید با هر رقم جراید و رسائل یومیّه و موقته،
و هر نوع مطبوعات و وسایط نشریه واقع شو.

(۱۸۷): — هرگاه برخلاف شخصیکه با ذم و چهار تجاوز گردیده است از سبب ماده که موضوع ذم است تعقیبات قانونیه اجرا شود و متحقق شود که متجاوز بیکناهی شخصی را که بر او تعرض واقع گردیده، دانسته در صدد و پیوستن اسنادات به اوست آتران ذم با قرا منقلب گردیده مطابق قاعده که درباره اقرار است حکم داده میشود هرگاه شخصیکه ارتکاب جرم ذم را نموده درباره برائت ذمه خود اثبات صحت و یا شهرت فعلیکه بر متجاوز علیه اسناد نموده بخوابد این ادعایش قبول نمیشود.

(۱۸۸): — هر یک که بدون تعیین کدام ماده مخصوصه یک صورت دیگر بر ناموس و یا شهرت، و یا حیثیت یک شخص دیگر مرتکب فعل (قح) گردد [از یکجا تا ششماه حبس میشود، و یا در مقابل این جزا سه حبس از دو روپیه الی دو هزار روپیه جزای نقدی میدهد].

جرم (قح) نیز یکی از صورت مایه چهارگانه که درباره ذم ذکر شده لازم است که بوقوع بیاید، غافل قح هرگاه اثبات کردن چیزهای را که اسناد

کرده است ادعا نماید سموع نمیشود .

(۱۸۹) :- هرگاه بدون ذم و قبح یکی برخلاف دیگر اطفال
لسان نماید، و یا بیک اشارت مخصوصه اجرا حقارت
نماید، حقارت کننده [از پانزده روز تا یک ماه] حبس،
و یا در مقابل این حبس از پنجاه روپیه تا صد روپیه
جزای نقدی میدهد .

(۱۹۰) :- اطبا و جراحان و عطاران و قابله ها اسرار شخصیه را که
باقتضای صنعت شان با آنها سپرده میشود در
غیر احوالیکه قانوناً به اخبار آن مجبورند افشا نمایند
[از بیست و چهار ساعت الی یک هفته حبس، و از
ده روپیه الی چهل روپیه جزای نقدی] .



فصل ششم

(سرقت کنندگان و دزدان)

(۱۹۱) :- هرگاه از میان دو نفر و یا زیاده از آن تنها یک نفرشان
مسلح بوده در اثنا شب دیوار یک خانه و یا دکانیکه

در آن انسان اقامت میورزد شکافته، و یا آنکه قفل آزا
شکستاده، و یا خود خویش تن را مانند مأمور دولت
نشان داده و یا یک امر ساخته گی که از یک مأمور دولت
گرفته باشد ابراز نموده بدرون داخل شده و آنجا جبر و
شدت نموده دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک
القضاة الالمانیه حد لازم نشود [بعد از تاوان هر یک
از دزدان حبس دوام] .

(۱۹۲): — هرگاه دو کس و یا زیاده بران بیک خانه درآمده با اجرا
معامله جبر و شدت دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک
القضاة الالمانیه حد لازم نشود، هر یک از دزدان:
[از ده سال تا پانزده سال حبس] .

اگر در اثنا ب معامله جبر و شدت یک آدم را مجروح
سازند [اگر بمطابق تمسک القضاة الالمانیه حد و
جزا لازم نشود، بعد از تاوان، حبس دوام] .

(۱۹۳): — هرگاه در یک خانه که کس اقامت نداشته باشد،
بصورتیکه در دو قاعده فوق بیان شد داخل گردیده
دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الالمانیه

حد لازم نشود، [بعد از تاوان از پنجاه سال تا ده سال

حبس] .

(۱۹۴) : — هرگاه هنگام شب یکچند نفر یکجا شد در راه عام دزدی نمایند

اگر مطابق تمسک القضاة الامانیة حد لازم نیاید [دوازده

سال حبس] .

(۱۹۵) : — کسانی که بغیر از همین چند صورت هائیکه در قاعده هائیکه

فوق بیان گردیده بیک رقم دیگر دزدی کنند،

عموماً اگر مطابق تمسک القضاة الامانیة حد لازم نشود

بعد از تاوان مال [از یک سال تا سه سال حبس] .

(۱۹۶) : — هرگاه عراده چچی هائیکه و کراپیش هائیکه و اشیا هائیکه را که حمل و نقل

نمایند دزدی کنند، بعد از تاوان شرعی [از یک سال

تا سه سال حبس] .

(۱۹۷) : — هر یک که اسب و سایر حیوانات سوار می و باری و عراده

و مانند زگا و و ماده گا و حیوانات را بدزدد، اگر

بمطابق تمسک القضاة الامانیة حد لازم نشود [بعد از

تاوان از یک سال تا سه سال حبس] .

(۱۹۸) : — هر کس که آلات و ادوات زراعت و میز میکه برای

فراهم و احضار گردیده باشند، و چوب تعمیر مرغهای
خانگی و کشتکار در روده و نادروده را بدزد، اگر
بمطابق تمسک القضاة الامانیة حد لازم نشود [بعد از
تاوان از سه ماه تا یکسال حبس].

(۱۹۹) — هر کس که یک کلید را تقلید کند، و یا یک رقم آله که

قفل را بکشد بسازد [از سه ماه تا یکسال حبس].

(۲۰۰) — هر کس که جبراً از دست شخصی یک حجت نقدی و سند

قرض را بگیرد [از پنج سال تا ده سال حبس].

فصل هفتم

(کسانی که در امانت خیانت کنند)

(۲۰۱) — هر کس که یک کودک را بیک چیز راضی و قانع گرداند

بجمله از دست وی سند دین یعنی حجت یا خود کدام

ورقه ابر و تعهد را بگیرد [هرگاه بگوید که نقصان پیدا

باشد، تاوان آزامید بدو علاوه بر آن ربیع مقدراً

خسارت بقسم جزای نقدی از وی گرفته میشود،

- وہم از ششماہ تا دو سال حبس میماند .
- (۲۰۲) : — ہر گاہ کہ بر یک کاغذ سفید مہر دار و یا امضا دار کہ بہ امانت تسلیم گردیدہ باشد ، امانت داری خود را سوء استعمال نمودہ بنام صاحب محض و امضا عیاراً متضمن تعہد و یا ابرا بودہ ، و یا خود بر آن یک سند بنویسد کہ صاحب امضا را ذاتاً و یا مالاً نقصان برساند بعد از تاوان شرعی [از یک سال تا دو سال حبس ، و از دو صد روپیہ الی ہزار روپیہ جزائی نقدی] .
- (۲۰۳) : — کسیکہ بصورت امانت و وکالت سند ات ، و اورا اموال ، اشیاء و نقد و سائرہ کہ بہ او تسلیم گردیدہ باشد بصاحبش اعادہ ننمودہ پنہان و یا ضایع کند ، بعد از جزائی شرعی [از ششماہ تا دو سال حبس] .
- (۲۰۴) : — ہر گاہ شخصے سند شخص دیگر را کہ برائے اثبات دعوی در محکمہ ابرا از میکند ، و یا یک کاغذ دیگرے را بے اطلاع یافتن محکمہ بدزد و یا پنہان کند [از پنجاہ روپیہ تا دو صد روپیہ جزائی نقدی] .

فصل هشتم

(قمار بازان)

(۲۰۵): — کسانی که قمار میزنند [مال قمار ضبط و هر یک از قمار بازان]

[۳۹ دره ضرب] .

(۲۰۶): — کسانی که در خانه و مکانهای خود پنجاهی قمار بازان را

آورده از آنها حق نعل میگیرند [از صد روپیه الی پنجاه روپیه]

جزای نقدی، و ۳۱ دره ضرب] .



فصل نهم

(کسانی که مردم آزاری و بیهوده خرجی میکنند)

(۲۰۷): — کسی که آلات و ادوات زراعت و صنعت دیگر را

بشکند و یا خراب کند [بعد از تاوان آن از یک هفته

تا یک ماه حبس] .

(۲۰۸): — کسی که حیوانات سواری و بارگیر اسب عراده و سایر

حیوانات دیگر را قصد اطلاق نماید [بعد از تاوان آن]

بصاحبش، بچند مقدار تا وان جزای نقدی از او
گرفته میشود.]

(۲۰۹): — کسیکه خندق و جرما یک بر دوراد و راضی یک شخص دیگر
کنده شده باشد، پُر و خاکریز نماید، و یا احاطه نماید
از تپه ها و نار و خس بر اطراف کشت زار کشیده شده و این
[بعد از تا وان آن بقدر مقدار تا وان جزای نقدی].

(۲۱۰): — کسیکه طرق عمومی و یا چشمه، و یا پل و یا آبروی آب،
و یا انبیه که ملک خود او نباشد بالا اختیار بم و تخریب کند
[بعد از تا وان آن از شش ماه تا دو سال حبس].

(۲۱۱): — کسیکه بدون یک دست آویز رسمی و محبت شرعی که
حق او را اثبات نماید، خود بخود اموال غیر منقول را که
داخل عهده تصرف شخص دیگر باشد ضبط و مداخله
نماید [بعد از استرداد چیز ضبط گردیده کی از یک ماه تا
شش ماه حبس].

(۲۱۲): — کسیکه نه استا نه و کشت زار نماید را که هنوز بکمال
نرسیده باشد قطع و تلف نماید، و یا بمقصد تخریب
در آن حیوانات را بکشد [بعد از تا وان آن از بیست و پنج

تا صد روپیه جزای نقدی].
 اگر این نهالستان تخریب شده عبارت از نهالها
 باغ و یا نهالهای قیمتی و میوه دار باشد [بعد از تاوان
 از یکماه تا دو سال حبس، و از دو صد روپیه الی دو هزار
 روپیه جزای نقدی].



فصل دهم

(قواعد جزائیه که متعلق به طببا و جراحان و عطارانست)

(۲۱۳): — طبیبان و جراحان و عطارانیکه بنا بر سوء قصد، به بیمار
 دواهای مخالف داده موجب موت و وفات میض

گردند [اعدام].

(۲۱۴): — اینچنین یک دواهای مخالفیکه بنا بر سوء قصد داده
 شده باشد، هر چند که موجب موت و هلاک میض
 نگردیده، باعث شدت بیماری و مرض شود، طبیب
 و یا عطار و جراح [برای اینکه آینده در پیچ جا اجرای
 صفت نتوانند، شهادتنامه شان ضبط میشود،

و از سه سال الی پنج سال حبس [.

(۲۱۵): — طبیبان و یا جراحان و عطا مانیکه سهواً بمریض و یا
مخالفت داده، و یا بصر حال در فریضه مأموریت خود
غفلت و احوال نموده این سهو و احوال شان سبب
موت مریض گردد [برای اینکه آینده در هیچ جا اجرا
صنعت نتوانند شهادت نامه شان ضبط، و دو هزار
روپیه جزا میسے تقدی میسند].

(۲۱۶): — اگر ازین سهو و احوال مریض وفات نیافته بلکه موجب

شدت بیماریش گردد [از یک ماه تا یک سال حبس].

(۲۱۷): — واکثرًا و اطباء یونانی که از مدیریت مستفید

طبیته اجازت نامه معالجه ندیده و در شهر کابل و

مالی پردازند، اگر از معالجه شان هیچ آسیبی

هم بیمار نرسد [از پنجاه روپیه الی هزار روپیه

جزا میسے تقدی میسایند].

* *

*

باب سوم

(جرمهاییکه از نوع قباحت باشند)

فصل اول

(جرمها ذیل جرمهایست از نوع قباحت که از مایهین
(صادر گردد، و هر کدام مستلزم جزائست که در آن)
(در برابر همان جرم نوشته شده)

(۲۱۸): — مأمورینیکه در مقابل آمرای خود بے حرمتی و سرکشی
نمایند [از پانزده روز تا یک ماه حبس] و یا [از دو تا
تا چهار ماه تنخواه] شش قسم جزای نقدی وضع شیو
اگر سرکشی در مقابل یک تنبیه که متعلق به ایفای
وظیفه او بوده بعمل آید [لا اقل یک ماه حبس و از مأموریت
عزل].

(۲۱۹): — مأمورینیکه در حین ایفای امریکه آمرای شان داده
باشد سستی و سهل انگاری نشان بدهند [در نوشتن
تنخواه یک هفته، و در دفعه دوم تنخواه پانزده روز

و در مرتبه سوم تنخواہ یکماہہ او قطع گردیدہ ، نوبت
چہارم از یکہفتہ الی پانزدہ روز جلسہ گردیدہ از ماموت
عزل میشود .

- (۲۲۰) — علی العموم مامورینیکہ در خدمات و وظایف خود غیر حاضر
مے مانند [بمطابق نظامنامہ حاضری جزا مے بینند] .
(۲۲۱) — مامورینیکہ در خارج وظیفہ از روی حیثیت ماموت
خود حرکتہاے نامناسب بنمایند [در نوبت اول
اخطار ، بار دوم در حضور دیگر رفقای شش نوبچ ، دفعہ
سوم قطع تنخواہ یکماہہ او ، مرتبہ چہارم عزل از ماموت] .

فصل دوم

(جرمہا ذیل علی العموم از نوع قباحت بودہ ستلزم)
(جزا ہستند کہ در برابر ہر کدام نوشتہ باشد)

- (۲۲۲) — در راہ وسرکھا ، خاکروبہ لا و گند گیہا و سایر چیز مائیکہ
موجب بد بوئی و تعفن باشند ، انداختن و بہ بی پروائی
بالاے کسے خاک ہاروب و چرکاب ریختن ، و بر

روپے سرکہا حسب اللزوم بعضے چو قورہا کندہ شہا
برایا لایکے آن فانوس ننگہ استن [ازیکر روپیہ الی
میت روپیہ جزاے نقدی] .

(۲۲۳) :- در داخل شہر و دیہات درجا مانیکہ احتمال ضرر باشد
بطاقتی انداختن [ازدہ روپیہ الی پنجاہ روپیہ جزاے
نقدی] .

(۲۲۴) :- در داخل شہر بلا لزوم تغذت زدن [صدر روپیہ
جزاے نقدی] .

مراد از تغذت زدن در شہر فقط ہمان مناطقی شہر از آن
مطلوب است کہ از طرف قوماندان محلی محدود
و تجزیہ کردہ میشود .

(۲۲۵) :- درجا مانیکہ مردمان جمع باشند اسپ دو اندن
[ازدہ روپیہ الی پنجاہ روپیہ جزای نقدی] .

(۲۲۶) :- سیکہ از گرفتن سکہ دولت بقیمت معینش انکار
و استنکاف ورزد [ازدہ روپیہ الی سی روپیہ
جزاے نقدی] .

(۲۱۷) :- قصد ابخانہ و یا حویلی یک شخص دیگر خاک و سنگ

و ناپاکی انداختن، و یا بجائیکه داخل شدن آن
ممنوع است درآمدن و از جائیکه گذشتن از آن ممنوع است
گذشتن [از بیت روپیه اسل شصت روپیه
جزای نقدی] .

(۲۲۸) : — بدرجه که باعث برهم زدن راحتها مالی گردد بلا حجب
غال مغال و شماته کردن [از پنجر روپیه تا بیست روپیه
جزای نقدی] .

(۲۲۹) : — اعلاناتیکه بامر حکومت چاپانیده و آویخته شده باشند
کندن و پاره کردن [از پنجاه روپیه الی صد روپیه جزای
نقدی، و از پانزده روز الی یکماه حبس] .

(۲۳۰) : — کسانیکه کمتر از نرخ معین مروج اشیا را بفروشند،
از بیت روپیه تا هشتاد روپیه جزای نقدی، و از
سه روز الی یک هفته حبس] .

اگر اشیا، فروش از قبیل نان و گوشت و آرد و چوب
و زغال باشد که حوائج ضروریه وابسته آن است
[جزای نقدی بقرار فوق، مدت حبس از یک هفته
الی پانزده روز] .

(۲۳۱) :- کیکہ جائے راکہ براب منافع عمومیہ از قسم طرق عامہ و میدا نہا و تماشا جائے ترک و تخصیص شدہ باشند خراب و ویران سازد، و یا از طول عرض آن مقدار کے برا خود بدزد [جائے راکہ خراب کردہ است بخودش تعمیر میشود، و جائے راکہ دزدیدہ ازوے اخذ و استرداد گردیدہ، بعدہ از پانزدہ روز الی یکماہ محبوس میماند، و از بیست روپیہ الی ہشتاد روپیہ جزا ہے نقدی میدہد] .

(۲۳۲) :- کسانیکہ بر دیوار مائے مساجد و جوامع و مقبرہ مائے و بر سر کہا دیوار مائے عمارتہاے سرکاری، و ابنیہ خصوصی را بہ زغال و سیاہی و غیرہ چرک و خط میکنند و یا درخت مائے راکہ از طرف حکومت در سر کھا نشانیدہ شدہ و یا گلزار مائے راکہ بر اطراف سر کہا طرح شدہ اند خراب کنند، و یا گلہاے آنرا جدا سازند [از پنجر روپیہ تا پنجاہ روپیہ جزا ہے نقدی] .

(۲۳۳) :- جرایمیکہ در نظام منائم جزا ہے ہذا برابے آن

[از یکروپیه الی دو صدروپیه جزای نقدی] و از
[یکروز الی یکماه جزا حبس] مقرر گردیده کافه آن از نوع
قباحت می باشد .

(۲۳۴): — کسانیکه هنگام شب چراغهای گادی را خاموش
گذاشته باشند [دوروپیه] .
هرگاه چراغ بایسکل باشد [یکروپیه] .
هرگاه چراغ موتور باشد [بسیاروپیه جزای نقدی] .
(۲۳۵): — در اثبات مرور عبور غیر بیادیه بر سبیلها بدست چوب
نرفته بدست راست بروند [پنجروپیه جزای نقدی] .
(۲۳۶): — گفتن الفاظ رکیک و لغو و طعن و استهزا و غیره قذف
[پنجروپیه جزای نقدی] .

(۲۳۷): — جنگ دادن طیور و حیوانات [بسیاروپیه
جزای نقدی] .

(۲۳۸): — در داخل شهر کبوتر پرانی و کاغذ پرانی، و بدون عذر بالا
بام برآمدن که از آن همسایه متضرر شود [پنجاهروپیه
جزای نقدی] .

لیکن کاغذ پرانی بدون بام، و محض تکرید آشتن کبوتر

بدون پراندن معاف است .

(۲۳۹) :- جنگ های خفیف و گفتگو های بازاری که رؤ

مره واقع میشود ، در صورتیکه یکی از جانبین بدائرة پولس

عرض کند [از پنجره پیه الی بیست روپیه جزای

نقدی ، و از یکروز تا یک هفته حبس]

(۲۴۰) :- آویختن مرغ زنده از پارچه فروختن در بازار [دو

روپیه جزای نقدی] .

(۲۴۱) :- اسپ را در بازار ایستاده کرده ، و خود جلو آواز گرفته

بردگامان نشستن [پنجره پیه جزای نقدی] .

(۲۴۲) :- بر حیوان یا بر یک عراده از مقدار نظامنامه اضافه

از طاقش بار کردن [از پنجره پیه الی بیست روپیه

جزای نقدی] .

(۲۴۳) :- استنجا بدست بر سر کپالابالیا نه گشتن [یک روپیه

جزای نقدی] .

(۲۴۴) :- کسانی که مانند آن مسجد و تربت و مانند آثار شیرین

و یا ابنیه و عمارات را که از زمینات ملیه میباشد

خراب و خنجره دار نمایند ، و یا درخت ها و نهالها را

در راه ما و ستر کپها و کوچها و یا صحن ما به مسجد باشند
 ببرند [بعد از ادای تاوان مقدار ضرر از ضمیمه
 تا هشتاد و پنج روپیه جزای نقدی، و از یک هفته
 تا یک ماه حبس].

(۲۴۵) :- به اجرا احکام این نظامنامه وزارت عدلیه مامور است.

نظامنامه جزای موقوفین

(۱) :- دزدانیکه بخانه شخصی بر آزدی قتمه به بردن مال موفق نشود
 و جرعه هم واقع نشود هرگاه در جماعه آنها زیاده از یک
 نفر مسلح باشد صاحبان سلاح [حبس دوام].
 و باقی نفری شان [از ده سال الی پانزده سال حبس].
 هرگاه تعداد نفری زاید از سه نفر بوده تنها یک نفر شان
 مسلح باشد شخص مسلح [از هشت سال الی ده سال
 حبس].

و باقی نفری آن [از پنج سال الی هشت سال حبس]
 هرگاه تعداد نفری از سه کس کمتر باشد شخص مسلح

[از چهار سال الی پنج سال حبس]

و باقی نفری [از یک سال الی سه سال حبس]

(۲) — در صورت عدم حصول مصارف محکمه از محکوم علیه در مرکز

بموجب تحقیقات وزارت متعلقه اسس و در ولایات

و محالات بقرار تحقیق کو تو الیها و در حکومتی ما بذریعہ کما

محلی تحقیق گردیده بحاکم شرعی برسد فیصله دعوی مجانا

بلا بدل داده شود .

(۳) — کسانی که بجریمه غیر واقعات قتل و تعزیر حبس محکوم بود

در حین حبس ادا جزای نقدی را کرده نتواند در

مقابل هزار و پنجاه روپیه جزای نقدی خود حبس

یکسال را مجبور است که در محبس طی کند .

(۴) — کسانی که به اتهام جنحه و جنایت توقیف شوند و در

محاکم عدلیه اصل فعل بر او شان ثابت شود ایام مد

حبس شان از ابتدا سبب توقیف محسوب است .

(۵) — محصول فیصله فقرات قبلیکه دیت بطریق قسامت

حکم میشود ناید از شش روپیه که قیمت اصل فیصله

گرفته نشود .

(۶) — کسانی که عند اللزوم بوزارت ما و دو اردو لیت جلب میشوند، اگر قریه دار و یا کلاتر و دیگر امور تصدیق حاضر نبودن و بیماری شخصی جلب شده را بنماید و کذب ظاهر شود مصدق کاذب [از بیست روپیه الی دو صد روپیه جزا ای نقدی میدهد].

(۷) — مجوسین که از توقیف خانه ما فرار مینمایند و باز دستگیر شوند اگر مجوسین جنجی بوده از محاکم شرعیه بر آنجا حکم حبس صادر شده باشد ربع میعاد حبس مقرر و اگر مجوس جنایت باشد ثلث میعاد حبس معینه خود را علاوه بر جزای سابقه خود تا اكمال مینمایند الا قبل از محکومیت و صدور حکم محاکم شرعی فرار کنند [از شش ماه الی یکسال مجوس مینانند].

(۸) — کسانی که توقیف و بزرگ استنطاق اند و هنوز حکم شرعی بر او شان صادر نگردیده از باعث غفلت پهره دار فرار کنند، اگر مفروری متهم جنجی باشند محافظ غافل [از یکماه الی یکسال حبس] و اگر متهم جنایت باشند [از یکسال الی سه سال حبس].

(۹) — اشخاص متهم با قتل که قبل از محکومیت خفیتاً و ارثان مقتولین را بمبلغ و یا جنس معین رضامند ساخته ورثه در محکمه شرعیه سوگند بدهد و یا اسقاط سوگند نمایند و کار سازی شان ثابت شود که قبل از مرافعه حکومت و قضا بر اے پا مال کردن قتل مصالحه نموده اند مناصف و وجه مصالحه از ورثه و شخص متهم بطریق علی السویه جزای نقدی گرفته میشود .

(۱۰) — شخصیکه بموجب نظامنامه جزایا م حبس را تکمیل ننماید و یا بواسطه اتهام توقیف شده باشد حین بانی ضامن گرفته نمیشود .

(۱۱) — گریختن زن عسکری که شوهرش مسافر و بخدمت باشد در صورت اقرار زن که برضا خود رفته باشد [اعلم] و الا بقراین قطعیّه ثابت شود [از ۴۹ الی ۷۹ دره تغزیر] .

(۱۲) — سرقت اموالیکه نصاب شرعی را که مراد از هفت قرآن پوره نکند [از بیت روزالی یکا هجس] .

(۱۳) — کسانیکه اشیاء تقدیهی مثل کره گلت کرده طلا و نقره

و امثال آن را بقیمت اصل حبس فروخته به اینقسم
ساخته کاری نماید بعد از تاوان مال [از یکسال الی

سه سال حبس] .

(۱۴) : — کسانی که عیال منکوحه کس را که شوهرش مسافر باشد
برای دیگر بفریب عقد نکاح نماید [از یکسال
الی سه سال حبس] .

(۱۵) : — کسانی که آبا و اجداد و اقهار خود را بقتل رسانند
اگر قرار تمسک القضاء الایمانیه قصاص لازم نشود
عیاستا [اعدام] .

(۱۶) : — مصارف محکمه برخلاف قاعده (۱۷) نظامنامه جزا
قبل از تضمینات شخصیت و رد اموال مسروقه و دیت
شرعی گرفته میشود .

(۱۷) : — اگر در جمله دزدان علاوه از یک نفر مسلح بوده قرار قاعده
(۱۹۱) دزدی نماید تحت قاعده (۴۸) اجرا میشود .

(۱۸) : — کسانی که شخص را بعبوض شخص دیگر که حقیقتاً آن شخص
حاضر نباشد در محکمه آورده برای فریب خود یا بفریب
از اقرار شخص غایب وثیقه شرعی حاصل نمایند

کذا بعضه اشخاص در واقعه مذکور تصدیق نمایند،
 هرگاه منفعت حاصل کرده باشند به شخص ضرر رسیده
 مسترد گردیده و بهمان مقدار جزای نقدی از
 اشخاص فریب کننده علی السویه استحصل میشود
 و نفری مصدقین جزای شاید زور می بینند،
 اگر فائده تحصیل نکرده باشند فریب کننده گان
 و صدقان معاملة مذکور جمعا جزای شاید زور می بینند.
 (۱۹) — اشخاصیکه بدزدی و داره و تاراج شهرت پیدا کرده
 باعث اخلال امنیت و رفاه عامه شوند باید اشخاص
 درست و روشناس آنجا در محکمه ابتدائیه مرکز ولایت
 و محال رفته صورت واقعه را سجل شرعی نمایند،
 و مأمورین دولت از شخص علاقه دار الی نائب الحکومه
 هماغجا معلوما تیکه درباره آنها داشته باشند نیز محکمه
 کرده قانونا بجهت محکمه که تعلق داشته باشد سپارد
 این معلومات مدار حکم شرعی میگردد، اگر شهرت دزدی
 و داره و تاراج متواتر باشد [اعلام] و اگر شهرت غیر
 متواتر باشد [از پنج سال الی ده سال حبس].

اگر شهرت محدود باشد نقل مکان] .
 (۲۰) : — کسانی که محکوم به نقل مکان گردیده خلاف حکم بکوتاهی
 و سپس عود نمایند اگر ثانیاً منشأ فساد و دوازه تاراج
 گردند [اعدام] .

[آلا از پنج سال الی ده سال حبس] .
 (۲۱) : — اگر فاعل قتل عمد نامعلوم بوده ورثه مقتول شخص محتمل
 دعوی اصل فعل ویرمالک متقتل دعوی دیت و قسامت
 شرعی را نمایند بواسطه وجود قتل از نفری بالغ ذکور
 همان محله و موضع که جسد مقتول ظاهر شده فی نفر چوپا
 بطور جریمه جزای تقدی گرفته میشود، بدیگر محله یا مقبره
 جریمه ندکو نفوذ نمیکند .

(۲۲) : — از ولایات و حکومتها به اعلیٰ مجریستیکه از پنج سال اضافی
 درباره شان حکم حبس میشود و از حکومتها به مربوطه
 ایالت کامل اشخاصیکه زیاده بر سی سال محسوب
 محبوس باشند در هر سال بدو مرتبه مجبوسا بر کر کامل
 فرستاده شوند، تا در توقف خانه مرکزی اوقاف
 محبوس آنها پوره شود .

(۲۳) : — کسانیکه مبداء اشاعه و نشر خبر باشد خلاف واقع متعلق

سیاست داخل ملکوت شوند [از بیت روز تايگاه

جلس، یا از یکصد روپيه الی دو صد روپيه جزا نقدی]

احکام این ماده را قوماندها به کتو الی ولایات

و حکام زمانیکه این بیانات افواه سبب پریشانی

امالی شود موقفا الی رفع اینچنین افواه اجرا میدارند.

(۲۴) : — اشخاصیکه پذیرا حکام است اعلان نکرده باشد بکومت

نسبت داده در بین امالی نشر و شایع کنند [از ده روز

تایکما جلس، و یا از پنجاه روپيه الی دو صد روپيه

جزا نقدی]

(۲۵) : — شاید کسی که برنا شهادت داده اند در زمان بحرم

زانی غایب یا فوت شده باشند محکوم علیه مذکور

تغیر را [بضرب ۷۹ و ده و شهر محکوم میشود].

(۲۶) : — شاید کسی که شهادت ناحق بدیده علاوه بر ضرب و

تشمیه که در فصل چهارم جزا عمومی نشان داده شد

[از سه ماه الی شش ماه جلس]

(۲۷) : — کسی که ورثه مقتول را بر عفو کردن از قصاص ثابت

مجبور کند [قاتل سیاستا اعدام، واکراه کنند]
 یکهنزار روپیه جزا ہے نقدی و یکسال حبس] .
 (۲۸) — درکندن یا تراشیدن بقدر ربع و اضافہ از آن مو
 و ریش مرد را اجباراً [از یکماہ الی سہ ماہ حبس، و ازدود
 روپیہ الی پنجصد روپیہ جزا ہے نقدی] و اگر موی
 سر زن را بقدر ربع و اضافہ از آن کند و یا تراشید
 [از سہ ماہ الی ششماہ حبس، و از پنجصد روپیہ الی ہزار
 روپیہ جزا ہے نقدی گرفته میشود] و درکندن و تراشیدن
 موی مرد و زن کہ مادون از ربع باشد در تحت حکم قتل
 سے آید .

(۲۹) — کیسکہ بیک صد تہ غیر فعل زنا بکارت باکرہ رازا مل نماید
 علاوہ بر مہر مثل [از سہ ماہ الی ششماہ حبس] .
 (۳۰) — زنیکہ با دیوانہ زنا کند [از ۳۹ درہ الی ۵۰ درہ] .
 (۳۱) — مردے کہ با زن اجنبیہ بغیر زنا و لواطہ باقی اعضا او
 دست و رازی و یا مساس کند در صورتیکہ مرد اکراه
 کند تنہا مرد، و در صورت رضا زن و مرد ہر دو از
 [۲۵ درہ الی ۳۹ درہ ضرب، و از یکسال الی دو سال

جس [

(۳۲) — رقا صی زن بحضور مردین ہر واحد [از شہامہ الی بحیال جس

واز دو صد روپیہ الی سہ صد روپیہ جزاے نقدی [

وزن [از وہ درہ الی پانزدہ ضرب، واز دو صد

الی سہ صد روپیہ جزاے نقدی] .

(۳۳) — زنہائیکہ بہ بد افحالی متواترہ شہرت پیدا کنند

[از وہ درہ الی پانزدہ ضرب، واز دو صد الی

سہ صد روپیہ جزاے نقدی] .

(۳۴) — شخصیکہ پدر و یا مادرش از ایذا، و یا اطو

نا پسند او بجا کم شاکی شوند [از سہ درہ الی یازدہ

درہ ضرب، و یا از یکا الی چہل روز جس] .

(۳۵) — زنیکہ بدون عذر شرعی و بلا اذن شوہر شردخا

مردمان اجانب برود از ہفت درہ الی بیست و پنج

درہ ضرب [

(۳۶) — شخصیکہ در مقام رقتہ کفن میت ماکشد [از یکا الی

سہ ماہ جس [

(۳۷) — کرایہ کش ما و کسانیکہ بخیعت اخذ بیعانہ می کنند

و از عهده انجام عمل برآمده نیست و آنست که بعد از استقرار وجه [از ده روپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی].

(۳۸) — کسیکه شخص مشا من را بکشد سیاستاً [اعدام].

(۳۹) — در ماده (۱۰) نظامنامه جزای عمومی که لفظ

صحن وزارت عدلیه مذکور است به عوضش صحنی است
منظور است.

(۴۰) — ضمیمه ماده (۳۰) نظامنامه جزای عمومی [و اگر

اصل فاعل مستلزم دیت شرعی و یا جزای نقدی
یا ضرب باشد کسیکه فرغاذی مدخل باشند،

بقدر دو ثلث جزای اصل فاعل جزای بینه]

(۴۱) — اگر بعضی از ورثه معاون قتل مورث خود بوده عفو یا

چون عفو و مسقط قصاص میگردد قاتل سیاستاً [اعدام].

(۴۲) — زنی که فرغاذی مدخل یا محرک قتل شوهر خود گردد و قتل بعمل آید سیاستاً [اعدام].

(۴۳) — ضمیمه قاعده (۲۷۰) امر دیر در صورت مصداق از

(۱۰) دره الی (۱۵) در ضرب، و از دو صد روپیه الی

سه صد روپیه جزای نقدی].

(۴۴) — در مسئله زنا که حد شرعی بسببه ساقط شود [از

۳۹ دَرِه الی ۷۰ دَرِه ضرب .

(۴۵) : — علاوه قاعده (۱۴۲) اگر اولیا مقتول یا قاتل

و مقتول قرابت پدر و مادر و خواهر داشته باشد و

قاتل را عفو کند ازین حکم مستثنی است .

(۴۶) : — زنیکه شوهرش غایب باشد و خودش حامله گردید

بر زنا اقرار و نسبت فعل را بر یک شخص منکر نماید، اگر

برضا خودش فعل وقوع یافته باشد (۲۵)

دَرِه ضرب .

(۴۷) : — برائے شخصیکه باستثنای قتل که جزای آن العفو

در نظامنامه جزای عمومی تعیین یافته مرکب یک

جرم گردد و از طرف مدعی آن اگر عفو صادر شود،

و آن جرم با قرار خود مجرم ثابت باشد تعزیراتیکه

به تخصیص همان جرم در نظامنامه جزای عمومی

تعیین یافته درباره او اجرا میشود .

(۴۸) : — اشخاصیکه سندات تقلیدی یا تحریفی درباره

مدعی علیه خود بحاکم دولت ابراز نمایند ذیلاً مجازات

می یابند : —

الف: - اگر از قبیل حجت و قباله و امثال آن باشد
ثلث مقدار مندرجہ سند .

ب: - اگر بغرض دچار نمودن مدعی علیہ خود را بیک
مجازات قانونی باشد در حالیکہ بآن سند
مدعی علیہ محکوم با عدام گردد، ہفت سال
حبس، وغیر آن ثلث مجازات محکوم علیہ .

(۴۹): - اگر بر اقرار قاتل عمد یا مورین دولت کہ رسماً بتحقق
ابتداءً موظف ہستند در محکمہ شرعیہ گواہی داده
ورثہ مقتول عفو نمایند مجرم بہ مجازات قاعہ (۱۴۰)
محکوم میشود .

(۵۰): - اشخاص متخاصمین کہ بجا کم عدلیہ یا ادارہ ماہ دولت
در اثناہ محاکمہ و تحقیقات با ہم مشامتہ کنند از محاکم
عدلیہ بموجب امر قضاۃ در کوتوالی محلّی و دیگر دوائر
دولت از طرف آمر همان ادارہ کہ اختیار اجراء
قباحت را داشته باشد در بارہ آنچنان اشخاص
مجازات قباحت اجرا میشود .

(۵۱): - کسیکہ متہم بفساد باشد اگر یک امر در باکراہ بگیرد

[۳۹] درّه ضرب، و از شش سال اسلے ده

سال حبس [۰]

و اگر بخدعه و فریب برود [۳۹] درّه ضرب و دو سال

حبس [۰]

اگر یک شخص مستور الحال، با کراه بگریزند [۲۵] در

ضرب، و سه سال حبس [در صورت خدعه] از یک سال

الی دو سال حبس [۰]

امر در صورت رضا بجا زانے که گریزانند محکوم شد

محکوم میشود [۰]

و اگر یک طفل را بگریزند که مظنه بد فعلی نباشد خاص

گریزانده بجازات شدید قباح محکوم میشود [نف]

(۵۲): — مأمورین ماتحت هرگاه علاوه بر اختیارات خود بواسطه

آمران شان جرئت ورزند و ازین خلاف ورزی آنها

چیزهای ضرر رسد از یک هفته الی یک ماه تنخواه شان کسر

و اگر برابر دوات یک ضرر رسد نظر بر جر

صده از پنجمه روپیه الی ده هزار روپیه جزا

نقدی [۰]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَوْنُ مَضَائِقِ قُضَا

چون بوججات شائنه علیحضرت شهریار غازی

ایده الله تعالی نظامنامه بد جمع گردیده این خادمین دین

فرستاد از ماموریت امضا آن گردیدیم، بنا بر این دعا

آییدات غیبی وجود مسعود علیحضرت شازا بصد نیاز

کرده مرقوم میداریم که این نظامنامه جزای شرعی

عمومی را از سر تا پا بدقت ملاحظه و مطالعه کردیم

همه احکام و مندرجات آنرا در هر باب یا احکام کلیه

جلیلہ شریعت غراب محمدی صلی اللہ علیہ

والہ واصحابہ وسلم مطابق ، و با ایجابات سیاستی

عصر و زمان موافق یتیم .
 خادم کمال
 محمد عبدالواسع قندار
 عفی عنہ

مہر قاضی لقضاۃ مہر قاضی عسکر افغانستان مولوی سیف الرحمن

مہر قاضی محکمہ مرفوعہ حقوق عبد الحمید مہر قاضی محکمہ مرفوعہ برا عبد الرحمن

مہر قاضی محکمہ شرعیہ ابتدائہ حقوق محرمین مہر قاضی محکمہ وثیقہ جات حقوق شرعیہ
 عبد الرشید

مہر قاضی محکمہ شرعیہ ابتدائہ جزا

عبد جلیل

